

(انا لله وانا اليه راجعون)

(اذا مات العالم تم في الاسلام لايسد ما شيه)
بر حسب مکتوب بغداد ۱۲ ذیحجه ۱۳۳۰ ابوالعلماء
باب الاحکام شيخ الطائفة آيت الله في الارضين آقاى حاجى
شيخ هيدايه المازندراني اجابت حق را ايضاً و اين دار
قافى را و داع و داعى بزرگ بر كيد اسلام پرستان وطن
خواه و علماء اسلام پرور نهادند (ورحمة الله عليه
رحته واسعه)

مرحوم آيت الله مازندراني از علماء جليل القدر
وصاحب قوى و زهد و ورع و از يمد مرحوم آيت الله
وشتى از مدرسین اول نجف و قهها بزرگ اسلام
بود - آن ذات مقدس با آت زهد و ورع و علم
و فضل اول شخص با سياست علماء بشار و نخستين عالمى
است که يرق اتحاد اسلام را بلند و اداره حبل المتين را در
اين موضوع خاص تايدات ايقه ميفرمود و ميتوان
گفت که آيت الله مازندراني اول عالمى است در اسلام
که بمقتضيات وقت واقف و بنازكي موقع اسلام ملتفت
شده سي بليغ در اتحاد مسلمين ميفرمود - احكام
و مراسلات در و بار آن مرحوم در لزوم اتحاد اسلام
با اندازه در حبل المتين اشاعه يافته که اگر جمع شود
رسالة مبسوط تواند گرديد -

سه نفر از علماء جليل القدر اسلام که ميتوان
گفت هر يك از آن بزرگواران در کمر عصرى
از اعصار اسلاميه نالى داشته ولواى مشروطيت اسلاميه
و اتحاد اسلامى را بر افراشتند بكي مرحوم آيت الله
حاجى ميرزا حسين حاجى ميرزا خليل بود که سه سال
قبل به تحريكات مستبدين بدرجه رفيعه شهادت رسيد
ديگر مرحوم آيت الله آخوند ملا محمد کاظم خراسانى
بود که سال گذشته در همین شهر ذیحجه بدسايس روسيان
بدرجه شهادت رسيد - بقيه الباقية آن بزرگواران
آيت الله مازندراني بود که در اين موقع خبر رحلتشان
را بمسأله دهند - چون مستبدين و روسيان امروزه
بزرگرين عايق بيشرفت خودشان را اين ذات اقدس
ميدانسته بيبند نيست که آن وجود مقدس را هم
موتماً بدرجه رفيعه شهادت رسانيده باشند -

چون خبر رحلت آن مرحوم تلگرافاً بمسأله
و از بغداد بما رسيده چگونگى حال و کيفيت
رحلت آت بزرگوار را حوالت ه آيه مى نمايم

همين قدر ميگوئيم که اين ازهد و اورع عطاي
اسلامى خدماتى بعلوم اسلاميت نموده که مسلمانان
هيچگاه از ادای حقوق آن مرحوم بيرون نتوانند
آمد - جزا نه الله من الاسلام خير الجزاء و با اينکه
نظر يارادنيکه ما نسبت بايشان داشته و لطف و
مرحمت صكه آن مرحوم بما اظهار ميفرودند
اعضاي اداره حبل المتين خودشان را مستوجب تسليت
مى شمارند - مع ذلك با منتهاي تالم حضرت مستطاب
شريشمار نفع الاسلام علامه زمان آقاى آقا شيخ محمود
گيلاني شمس العلماء که امروزه چشم و چراغ ايرانيان و
اولين عالم اسلامى در هندوستان است عرض تسليت
نموده صبر ايشان را در حين فقدان عظيم اسلامى
از خداوند تبارك و تعالى مسئلت مينمايم -

عناي و امارات بالکان

آتش كينه امارات مختلفه بالکان بار هم اندك
اندك دارد شعله ور ميگردد و نتي که قشون يونان
بر سلايك قبضه نمود تصور نمى کرد که قشون
سرويا و بلغار هم بدان صوب رهبار آيند، ولي
آتش رقابت بلغار و سرويا نگذارد که اين فتح
بزرگ به نام يونان تمام شود از يك طرف سرويا
و خريف ديگر بلغار شهر سلايك را مرصفتز
خيام و ارووگاه خويش قرار دادند

تلگرافيكه به پادشاه بلغار از سردار عسکر وي
رسيد که سلايك تحت امر آن اعليحضرت آمد ب يونانيان
وا برانگيخته ساخت، اين بود که به رقابت بكدبگر
دست بيداد در سلايك دراز نموده از يك طرف
بفارت بر داخند و از طرف ديگر قتل عام اهالي
دايره اين فارت گري و آدم کشي بجا به اندازه وسعت
پيدا نمود صكه علاوه بر مسلمين دست تجاوز
به يهود و مسيحيان آنجا هم دراز نمود ماند و اندك
اندك اين صفت ميشوم در قشون امارات يونان و
بلغار، سرويا، در نقاط مختلفه بالکان خاصه در
مقدونيا اهالي را از هر فرقه و صنف و مذهب به
فرياد و فغان در آورده حتى مسيحيان ياد از
ايام حكومت تركى مى نمايند، اين رقابت كم كم بالا گرفته
و چون يونان جنساً از قوم اسلاميت مخالفت هاى
قوميت هم بر آن قار افزوده يك صورت سيبى را
تشكيل داده است، بروز قار و كدورت آفات

بیشتر در موقع امضای شرایط اتوای جنگ شد،
 باستانی رسماً مراجع به بلغار نموده و در حقیقت
 مرکز اتحاد امارات بالکان هم صوفیا قرار یافته بود.
 سرویه و قردطاغ نیز معیت با بلغار نموده وکلای
 مخصوص از طرف خود شان فرستادند ولی یونان
 اعتماد به بلغار نموده بدو فرستادن وکلای خویش
 و از آن بعد هم که نایندگان وی رسیدند
 امضای بر شرایط اتوای جنگ را روا ندیده
 رسماً و علناً با امارات سایر مخالفت ورزیده
 بر خلاف عثمانی جنگ را جاری داشته است،
 ولی حاضر شده که باده خود را در شورای
 سفرای لندن فرستد و تصنیف امر صلح را
 امضا دارد، شک نیست که این رقابت و اختلاف
 که بین امارات بالکان تولید گردیده یکی
 از آثار خوش بختی و حسن خاتمت عثمانی
 تصور میشود، ولی دول بزرگ که همراه با آنها
 رقابت های سیاسی و اقتصادی در محو اسلام و
 قطع ایادی عثمانی از اروپا متحدالسلک بوده هستند
 نخواهند گذارد که عثمانی نتیجه از این مساعدت
 سیاسی حاصل نماید.

برخی را عقیده این است که یونان در باطن
 بتجویب سایر امارات بالکان و یا بمشوره دول سایر
 علم مخالفت بر افراشته تا عثمانی در این مهلت جنگ
 از خستگی بیرون نتواند آمد که مقتدر بجمع قوای
 خویش گردد تا جبار در مجلس صلح هر تکلیفی که
 بر وی نماید منظور نماید و یونان علناً علت
 عدم رضایت خویش را به مهلت جنگ چنین
 ظاهر داشته که عثمانیان قوای خود شان را
 در مدت مهلت جنگ تکمیل خواهند نمود
 یکی از سیاست پوت میگوید که نقشه اتفاق مثلث
 و مسافرت های دیپلماتی رئیس الوزرای فرانس و وزیر
 خارجه روس را نطق رئیس الوزرای آلمان در رجسٹاک
 بی نتیجه گذارد و بکدغه خیالات روس را تهدید
 علی آلمان باطل ساخت، مسلک روس تلافی
 از استریا منباب هرک و بوسینا بود و کوشی
 که در اتحاد امارات بالکان شده بود تمام از
 اشارات سری اتفاق مثلث بوده و روس را منظور
 از اتفاق امارات بالکان این بود که بهر وسیله ممکن شود
 عثمانی را از اروپا خارج و اگر نصیر شهر اسلامبول
 برای وی میسر نگردد لا محاله تحت نفوذ وی قرار

گیرد، ولی نطق رئیس الوزراء آلمان که علناً برای
 حفظ منافع سیاسی و اقتصادی خود صیانت استقلال
 عثمانی را فریضه ذمه خویش شناخته این تدبیر
 را درم و برهم ساخت، و نیز مخالفت یونان
 را هم از اتحاد امارات بالکان در مسئله اتوای
 جنگ به اشارات اتفاق مثلث میدانند، شک نیست
 که اگر عثمانی تنها به مقابله یونان به ایستد روزی
 چند نخواهد گذشت که یونان را بجای خود بر
 خواهند کرداند، ولی تدابیر اتفاق مثلث مهیات به
 عثمانی نخواهد داد که تنها یونان را هم بجای خود
 به نشاند یعنی او را سریملاً مجبور بصلح خواهد نمود.
 دیگری چنین می بیند که اشاره آلمان در نایند
 بنای حیات استقلالیه عثمانی مبنی بر جلب منافع
 خویش است یا حاصل نمودن معاوضه از روس می
 باشد چه قریب بهمین عنوان را در مسئله مراکو
 و مناقشه اگادیر هم بیان کرده بود.

و پس از انگلیس تهدید کرد فرانسه به ادای
 جریمه و دادش مارضتن درداد مراکورا (کان
 لم یکن شیئاً مذکوراً) قرار داده ساکت ماند -
 تمام متفق الکلمه اند که از زن عبدالحمید تاکنون
 یعنی از وقتی که امتیاز راه آهن بغداد را آلمان
 حاصل نمود توجه او به طرف سیای صغیر عثمانی
 معطوف گردیده در حقیقت تهدید رئیس الوزرای
 آلمان و اظهار نماید به عثمانی برای آن است که اتفاق
 مثلث رضا دهد به برخی تصرفات وی در آسیای صغیر،
 در آن صورت ممکن است روس را بعضی منافع و
 اختصاصات در داردینلز و اسلامبول حاصل آید
 ولی چون فرانس و انگلیس را دخالت آلمان در
 آسیای صغیر عثمانی و نفوذ روس در داردینلز مضرت
 های بی شمار دارد نیز همایکی آلمان را در آسیای
 صغیر، روس هرگز نتواند پسندید ممکن است روسیان
 خواه مخواه ترك طمع داردینلز و اسلامبول را فعلاً
 بنمایند -

در حقیقت بزرگترین خطر عثمانی بر آنچه در
 این جنگ متصور است در موضوع شرایط صلحی که
 عنقریب در شورای سفرای لندن یتس خواهد
 شد میتوان تصور نمود چه دول حریص طامع اروپا
 تمام هم خودشان را در این موقع نازک و ضعف عثمانی
 در جلب فتح از او قرار داده اند - در خاتمه جنگ

عثماني و روس پیش از روس دولتی صکته واسطه
 صلح بوده جلب نفع از عثماني نمودند - تونس و
 مصر و هرک و بوسینا و قبرس و و - تمام
 در موقع صلح یعنی بعد از خاتمه جنگ از عثماني منتزع
 گردید در حقیقت اگر بهر نکریم دول تماشاجی
 پیش از دولت قانع جلب نفع نموده همان
 امروزه هم برای عثماني تصور است، یعنی همان
 دول تماشاجی با آن شیخ حریر و منافع بدو با هم
 وساطت و صلح خواهی و از آب بعد بنام حفظ
 سلامت و امنیت اروپا و آخر الامر نام بقای توازن قوای
 دول هر یک دندان تیز کرده و در شوروی سترای
 لندن منتظر موقع خواهد ماند، اگر طمع آنان
 محدود بهان مالک اروپای عثماني بود چندان محل
 خطر تصور نمیشد، توجه آلان و تشببات روس
 خطرات عظیمه را برای مالک آسیای عثماني هم در
 پیش تواند آورد، چه روس و آلان از دیرباز چشم
 طمع به مالک آسیای عثماني دوخته، نقشه آلان
 این است صکته بدو حایه از استریا و ایتالی که
 حلیف اتحاد تلافی می نمایند عمده در مالک اروپای
 عثماني آنان را منافع متصوره خودشان برساند، و همین
 قسم روس سعی است که سرویا و بلغاروا در بالکان خود
 بخشیده رسوخ خود را بر داریلر و اسلامبول زیاد
 نماید، فرانس و انگلیس هم یونان را سنک روی
 بیخ خود ساخته در سایه حایه وی منافع سیاسی
 و اقتصادی خودشان را می خواهند حاصل نمایند
 همینکه تصفیه دعای آمان در شوروی سفرای لندن
 شد موقع بهاء جونی آلمان پیش خواهد آمد و آن
 بهاء جونی در حفظ حقوق خود در آسی صفر و
 سلامت تواند بود و آن وقت است که فرانس و روس
 هم دیک رقابتشان بجوش آمده هر یک با هم قیام موازنه
 قوای دول دماوی ناخفاه به عثماني پیش نمایند -
 یکی از رموز دانان میگوید که تحریک اتحاد
 انگلیس و آلان یکی از اسرار است که بزودی بر سر مصر
 مکتوف خواهد گردید مانند مرا کو که مال المصلحه
 دوستی خودشان را می خواهند برخی تقببات و
 تسویه حقوق بر مالک عثماني قرار دهند - این
 است که واقعات رموز در این موقع صلح را
 برای عثماني نوشیدن سم و خود گشای می بندارند
 هر گاه در مدت التوای جنگ عثماني نتواند قوای
 خویش را بقسی مجتمع ساخته که زیر بار برخی از

شروط صلح توفه و جنگ کرده ممکن است بعد از صلح
 نشاندن خصما بتواند صلح با عزت نماید و ممکن گردد
 چندی دیگر سر بوش بردیک جمع دول بهاء از
 بعضی دعاوی ناخفاه آنانرا ساکت نماید ورنه اگر
 با وضع کنونی تمام بشرایط صلح بشود عیناً زبان
 صلح برای او پیش تر از جنگ خواهد بود -
 چون پیش تر از امارات بالکان تحت نفوذ روس
 میباشند آلان سعی است که برخی امارات جدیده مانند
 البانی و مقدونی تشکیل داده تحت نفوذ و اقتدار خود
 آورد مگر از روی پلتنیک آلان از دور نشسته
 الات جنگی خود را صیقل زده استریا و ایتالی را
 جلو انداخته به دعوی حایه آنان جسم را شوش
 میدارد، خود سری البان چندان دشوار نیست ولی
 اگر نشا شود که مقدونی هم خود سر گردد سر امارات
 بالکان بیگانه می ماند و نتیجه که از این جنگجویی
 حاصلی میبایند همانا مصارف فوق العاده و خسارات قشونی
 خواهد بود، چه مسلماً در صورتی که البانی و مقدونی
 از عثماني مجزا گردد عثمانيان زیر بار ادای باوان جنگ
 امارات بالکان نخواهند رفت و در حقیقت هم نتوانند رفت
 و بپید نیست که مدنی از قروض عثماني را هم حمل بر این
 امارات جدیده نمایند و شاید خساره امارات بالکان هم
 تا یک اندازه بروی امارات جدیده البانی و مقدونی
 گذارده آید، و اگر هم مقدونی خود سر و آزاد
 نشود تقسیم و تجزیه آت لا محاله صورت خطر
 جنگ بین امارات نیم وحشی بالکان تواند گردید و
 استریا را هم دیک جمع بجوش آمده آتش رقابت
 دیرینه اش با روس دامن زن خواهد شد، ولی ممکن
 است چنانچه در تلگراف مخصوص ما اشعار بدان
 شده اندکی سرحد امارات بالکان در مالک اروپای
 عثماني توسیع پیدا نموده از اطراف البانی و مقدونی
 مقرض کرده همان قدر توسیعات سرحدی عمره جنگ
 جونی های امارات بالکان قرار گیرد -

عقیده جمعی بر این است که عدم منظوری دولت
 یونان شروط التوای جنگ را برای عثمانيات
 ممکن است مفید واقع گردد، یعنی اگر عثمانيان جنماً
 کوشیده در این مدت التوای جنگ که امارات ساثره
 بالکان دست از پا خطا نتوانند نمود برآ و بجرا
 یونان را سرکوبی نماید ممکن است با شرف برخی
 شرایط صلح را در لندن تبدیل دهد و بر
 عکس اگر دو بمقابل یونان هم عثمانيان کاری از
 پیش نهند شرایط صلح سخت تر خواهد گردید،

بفلم يك از دلوسه گان اسلام
 مناجات طفل مصومي كه به تجويز اطبا و فتواي
 قاضي شرع و مسرت خاطر پادشاه از بدر و مادرش
 خريده و تسليم مخنجر جلاد نموده اند كه جگرش
 را در آورده و حبه حفظ سلامت پادشاه باو
 بخوراند

داورا. داگرا. اطبا صحت پادشاه را در قل
 من دیده و قاضي فتواي حليت خوب مرا داده
 پادشاه حيات خود را درمات من تصور نموده، بدر و
 مادرم به محبت جيفه دنيا از من چشم پوشيده و
 جلاد پيرم به نيت قربت امتثال حكم قاضي نموده
 و مباشر قتل من است، بالجمله در هايي اميد بر
 رخ بسته شده بغير از داوري تو اميدي ندارم
 اسلام معصوم نيز در اين اوان خون دل از
 دیده می بارد و بخداي محمد می نالد و بسايت
 مظلومي مناجات میکند. که ای خدای اسلام متمدنين
 اروپا صحت صليب را در عمو من میداند، قاضي
 عالم انسانيت (مجلس لاهه) حبه دوام وجود صليب
 بر بختن خونم فتوا داده، عالم صليب حيات خود را
 در عمو من تصور کرده، بدر و مادرم (رؤساي
 روحاني و ارباب سياست اسلام) به محبت جيفه
 دنيا مفرور شده و مرا بن بخش درام محدود
 فروختند، و جلادان پيرم اروپا مخنجر قوايي
 بوی و بحري بدست گرفت و به نيت قربت حضرت
 مسيح امتثال حكم قاضي صلح و صلاح نموده و
 مباشر عمو منند! بالجمله از خودی و بيگانه در زير
 قبه فلك فریاد رسي بغير از تو ندارم (و ابنت حكمتك
 ان بحري الامور الالباسيا) قوت مدافعه در من
 نيت بايت المال مسلمين را قايدین شان صرف
 كیف رانی خود و اطراف خود نموده اند، و اتحاد
 اسلام را كه تا وجود وجود من بود منافی امراض
 خود دیده چنان تلو و مار کرده اند كه تا ابد
 دیده نخواهد شد، اينكه چنانكه تن به قضا در
 داده و عمو و اضحلال حاضر باشم واهی نمی

شنيده ام كه صليبيان گفته اند كه عصر بيستم
 ميلاد مسيح قيامت اسلام عهداست، شنيده ام گفته
 اند كه عمر فساخه های عهد پيش از چهارده عصر
 نتواند بود، شنيده ام گفته اند كه سال هزار و
 سيصد و نود و يك هجري آخرين دقيقه حيات
 دين محمد است، غلادستون گفته كه ای برادران
 نصر، بيايد در عمو نمودن تاليف عهد (يعني
 قران) باهم اتحاد كنيم زيرا كه مادام قران قران
 و موافق كعبه و صلوات بر محمد موجود، معقول
 است عالم صليب به عمو شدن نزديكتر است از مسلولي
 كه جگر خود را قتي میکند، شنيده ام كه رئيس الوزرا
 بلغار نام مرا كثر و مسلمانان را كافر اعلان نموده،
 شنيده ام كه سالسبوري گفته كه آنچه اسلام از
 صليب اخذ نماید بايد مسترد سازد و آنچه صليب
 از اسلام بگيرد قابل رد نخواهد بود، هنوز فراموشم
 نشده كلام بهاروك كه به سفردولت اسلامي می گنت
 كه در تقسيم اراضي اسلام هيچ گونه حق اعراض
 نداريد زيرا كه ما حاكم و اسلام محكوم هنوز نطق
 باب روما به آخر نرسيده كه ميگفت تخم خلاف
 خانه بر انداز بين المسلمين را سرفراي امپراطور
 قسطنطينيه در مزور دنای عهديات پاشيد و آب
 باری اين مزارع در هر عصر با هيئت كليسي
 آن عصر بوده، اکنون اگر هيئت حاضره شما با
 بقیه آتیه در وظايف خود کوتاهی نکنيد در همین
 عصر حاضره نمره او را خواهید دید و دنيا بنامه
 يكام صليب خواهد شد و اسی از عهد صربي باقي
 نخواهد ماند، شنيده ام كه جرايد اروپا بندهای بلند
 پيمع عالميان رسانيده اند كه دين اسلام با تمدن كه
 فطري نوع بشر است منافات دارد، با تمدن يا اسلام -
 شنيده ام كه گفته اند كه اسلام چون شقافلوس
 است در وجود عالم بشریت اگر بریده نشود عالم
 اجتماع بشر را معصوم خواهد نمود، هر چه زودتر
 بايد اين عضو را حبه سلامت اعضای ديگر قطع

آه آه این لامانته گلات بگانه و بر قلب اسلام موزونیت ، زیرا که شان بگانه همین است ، لکن امان از الم تیری که از شمت بگانه بر قلب من می رسد ، اتفاق مسامیرا در حکم اجتماع ضدین می دانند ، حکم جهاد را بعد از اقصاء روزگار تیر اندازی و بزه بلزی و شستر سواری مروع میخوانند و دین اسلام را موعود به محو واضمحلال می شمارند . از نصرت من به کلام (ان لیلیت ربا بحمیبه) که به آیه است بر نه حدیث قاعد می نمایند و مدافعه از اجنب را وظیفه صاحب الزمان و بد نبی می دانند . رواج بازار تجارت اوروپا را اهتر از رواج دین اسلام می انگارند ، این تیر های دل دوز بگانه است که مرا از یا انداخته

من از بگانه کاف هرگز نمانم

که بامن هر چه کرد این آشنا کرد

این افکار سخنیه است که مرا بحال احتضار رسانیده ، این درد را بکه گویم که اگر قضیه شهادت تقه الاسلام تبریزی در روز عاشورا بدست یکتر از مسلمانان اهل تبریز اتفاق می افتاد فریض عوام تبریز درم افتاده و بیست هزار نفوس کشته میشد ، ولی چون بدست قونسول روس اتفاق افتاده احدی را یاری نفس کشیدن نماند و در تمام تبریز و ایران آب از آب نجینید ، این غصه را در کجا میتوان ابراز کرد که در مصیبت پیکار دمان حرم امام رضا تمام روی زمین که آن بزگوار را فقط از اعظم آل رسول میدانند بفریاد آمدند و مندوها با آنها شرکت نمودند ، از خدام حرم و از اهالی مشهد بلکه از تمام ارباب یک صدای ضعیفی هم شنیده نشد ، اف بر این دینداری اقف بر این ناوس و غیرت ! (الموت اولی من ثبوت العار)

امپراطور روس در ملاقات (پور باعلیق)

از روسیه مباحث می گوید که دولت ما منق بزرگ بر دول اوروپا و عالم مسیحیت دارد که رعب موهومی را که از اسلام در دل

ایشان بود بر طرف نمود ، و برده از روی نصب دینانی مسلمانان برداشت از مدار کشیدن روحانین شان در روز عاشورا و نوب بسنن به گنبد امام شانه ، و این دو امر در نظر دول منظمه چندان بزرگ می نمود که گویا عنقریب است قیامت از مسلمانها بر سر اهل صلیب برپا خواهد شد و اضطراب فوق العاده دولت انگریز و قیبح ماورین مباشرین ما و تطیب خاطر مسلمانان از انجبه بود ، چون برداشته شد معلوم همکنان گردید که هیچ خبری نبوده و نیست ، این بود که به ترضیقات دول اروپا بعالم اسلام افزوده شد بحدی که حکومت های کوچک بلقان جری شده و کرده انچه نبایست بنود ، اگر کار حرب قط بر قن اروپای انجام بپذیرد عید نباید گرفت ، بخدای محمد و اسلام قسم که محاربات آسیای عثمانی دلخراش تراست ، تصرف صلیبیان بجزیره العرب و هجوم بر مکه و مدینه جانسوز تراست ، کلیاتندن بقاع متبرکه اسلام قیامت عظمی است ، خاک بدن [اذا وقعت الواقعة] کدام ملتی است از اسلامی که قدرت نصرت دین و حمایت مسلمین داشته باشد در صورتیکه همه ایشان نفس آخرین آزادی و استقلال خود شان را کشیده اند ، عجا آروز تکلیف دولت خداداد افغان چیست ؟ این يك فکر عمیق لازم دارد

اگر صر صر خزان رونق باغی را بود و سنای او را معدوم ساخت هرگاه درختی در گوشه باغ سر سبز و خرم ماند آیا می تواند که رونق باغ را اعاده کند یا خود را از صر صر زستان محفوظ دارد ؟ بحال است ؟ پس علاج واقعه قبل از وقوع باید سکرد . امروز بیداری اسلام با استقلال دولت عثمانی به حفظ مقام خلافت اسلامی است ، امروز روز جنبش است ، امروز روز باری و مددگری است و گرنه حرکات روز واپسین مثل نوش داروست که پس از مرگ به سیراب دهند ، در پیش رو امید ببردی

هست و لکن جان سپرده را اعاده حیات عکس نیست
 امروز اسلام تیر خورده زخمدار بیعکس و بینوا
 و پزیناه بندای ضعیف میگوید (هل من ناصر ی نصرنی
 و هل من مغیث یغیثنی و هل من ذاب یذب) یک نفر
 اجابت کننده در تمام روی زمین نیست - پس اگر
 کسی اعاده کند که باقی (من الاسلام الا الله) ادعایش
 صحیح است، سبب و نجات ملبون مسلمانان عالم کو؟
 اگر اصل دارد پس چرا بقدر سبب و سزده نفر
 اصحاب بدر کار نمیکنند؟ پس اینان مسلمات محمدی
 هستند بلکه راحت طلبان و شکم پرستان چندند که
 راحت دنیا و آبادی شکم خود را در این دایره
 دیده اند، جمعی بظلم و ستم و جمعی بزور و جمعی به
 قلاشی جمعی به الوادی مشغول فراهم آوردن
 اسباب راحت خود و آسایش شکم خود بوده و
 هستند، و اگر رسول بر این مقصود متوقف باشد
 به نحو اسلام در نحو اسلام سعی خواهند بود
 چنانکه شدند و نحو نمودند، فلن الله قلة الاسلام
 كافة و لمن الله خوة الاسلام قاطبة

(چرا جگرها پاره نگردد)

(نکارنده موقی از اسلامبول مینویسد)

(مهاجرین، مجروحین، اعانه حرب و)

خدمت نسوان عثمانی

گویا نفس آخر مسلمانهاست در ضرب، ستمدنی
 اروپا پیشتر ازین نمیتواند در ممالک مشدنه خود
 بتریقها جا بدهند، بناسبت جنک عثمانی با اطارات
 اریه، مؤلفه بالکان شهر اسلامبول منظره فجیروا از
 چند روز باین طرف تشکیل داده است، چندی
 نیست که از مشاهده مهاجرین عنانک و قلبی نیست
 که از حال مجروحین متاثر نشود - مهاجرین منطقه
 حرب شرقی (باباسکی، لوله برغاس، وغیره وغیره)
 که تمام دار و مدارش عبارت از یک ارابه
 گاو و دو پلوجه طاف کهنه است، زیر باران درین
 چند روز اخیر از راه خشکی که سوی قافله ستم
 دشمنان نام دیگری نمی توان به آنها داد هرروزه
 وارد میشود - زینت این قافله خنیل و بدبخت

بچه های کوچک است که گاهی طبیعت آنها را
 وادار نمیشاید برای رفع خشکی ما در خود چند
 قدم یا برهنه تا زانو به گل راه بروند - با محبت
 مادوان تحمل بر خشکی طفل نیناورده باز او را
 بشانه خود گذاشته (که خود نیز با برهنه است)
 آفت سرکارهای خود گرفته از غرب بشرق
 نقل میکنند

چه منظره فجعیه، چه حالت اسنانک، از یک
 طرف مهاجرین از اولاد خود که در وظیفه عسکری
 هستند نگران و بی خبر، از طرف دیگر روزنامهجات
 هر روز اعلان مقبوضیت فلان طفل و یازن، پسر
 فلان شخص و یا عیال فلان آدم را با اطلاع قارئین
 خودشان میرسانند - از قراری که معلوم میشود
 حکومت علیه مهاجرین را به چند دهات پنج شش
 ساعتی که در طرف آسیا است نقل میکند

مجروحین هم حال بر ملالی و شوق عجیبی در
 جنک دارند، قریب یک هفته است که هر روز از
 سه الی پنجزار نفر مجروح وارد میشود، مریمخانهها
 که سهل است تماماً پر شده مکاتب عالییه و عبارات عالییه
 بروکرا نیز تبدیل به خسته خانه کرده اند - شاگرد
 های مکاتب عالییه که بعضیا بمیدان جنک برای وقایع
 ناموس وطن و برخیا در سر بالین مریض که در
 تخت خواب خودشان خوابیده اند مشغول خدمت
 میباشند، مجروح همین که قدری رو بهبودی می
 گذارد یا مشغول خدمت سایر مجروحین است و یا
 این که همان روز برای نگهبانی ناموس مادر خود
 در میدان حرب حاضر میشود

مشله اعانه حرب را لزوم بعرض نمیشاید، زیرا
 که قلم بدوجه از تعریف و توصیف آن عاجز است
 که سکوت را ترجیح بشخ چند سطر میدهد، همین
 قدر میتواند برای اطلاع قارئین جریده مقدمه مرض
 برساند که روزانه سه الی پنجزار لیره از اطراف میرسد
 در مقام این چند سطر لزوماً عرض نمیشاید
 تصور نمود که تمام این خدمات مقدمه از طرف

مردم اجرا میگردد. نهایت عمای هم حق
الامکان در خدمت گذاری و جان فشانی کتاز مردم
میگوشند. بخصیبا در اداره هلال احمر مشغول
دوختن لباس و غیره و برخسبها در خدمت مجروحین
با کمال صداقت اقامی وظیفه مینمایند.

(ع. ا. مؤید)

(جبل المتین)

ما اهدیت اجانه مجروحین عمای را از آغاز جنگ
طرابلس دانسته ازین رو در اداره جبل المتین کلکته
تشکیل انجمن مرکزی هلال احمر الهندیه را داده و
شاخهای آنهم در تمام هندوستان باز گردیده همه
روزه بیانی جمع و فرستاده میشود. چنانچه تا
کنون اضافه بر ۴ ملیون روپیه فرستاده شده
و قسط از کلکته بموجب فهرست ذیل ما خود
فرستاده ایم.

از ۲۰ اکتوبر الی ۸ دسمبر سنه ۱۹۱۲ مبلغ
صد و شصت و سه هزار و پصد و یک روپیه دفته
انجمن هلال وصول نموده و بدفعات بموجب ذیل
مدیر انجمن هلال احمر عمانی در اسلامبول فرستاده
شده است.

۷ نومبر ۱۹۱۲ - ۹ صد لیرا

مطابق روپیه ۱۲۴۴۷ - ۷ - ۶ - بذریعہ
برات مرکتال بنگ

ایضاً ۶ صد و یک لیرا - ۳ شلنگ - ۶ بنس
مطابق روپیه (۹۰۰۰) بذریعہ برات دج
ایشیانک بانک

۱۴ نومبر سنه ۱۹۱۲ - دو هزار لیرا

مطابق روپیه (۳۰۰۰۰) بذریعہ حوالہ
تلگرافی بشل بانک

۱۴ نومبر ۱۹۱۲ یک صد لیرا

مطابق روپیه ۱۴۹۷ - ۱ - بذریعہ حوالہ
تلگرافی دج ایشیانک بانک

۲۷ نومبر سنه ۱۹۱۲ - دو هزار لیرا

مطابق روپیه ۲۹۹۵۶ - ۸ - ۳ بذریعہ
حوالہ تلگرافی دج ایشیانک بانک

۲ دسمبر سنه ۱۹۱۲ - دو هزار لیرا

مطابق - ۳۰ هزار روپیه

۹ دسمبر سنه ۱۹۱۲ - دو هزار لیرا

مطابق ۲۰ هزار روپیه

میزان کل ۶۶۰۱ لیرا - ۳ شلنگ - ۵ بنس

مطابق روپیه ۱۴۳۹۰۱ - ۶ - ۹

باقی در تحویل تا ۸ دسمبر ۱۹۱۲ - ۲۰ هزار روپیه

میباشد و بقیه هم همین چند روزه یا آنچه جمع شده
و بشود فرستاده خواهد شد - علاوه بر این از کلکته
مبلغی هم برای هیئت طیبه لندن باسلامبول
فرستاده شده است.

هیئت های مخصوصه هم باسای خودشان از

کلکته به اسلامبول و لندن بلاواسطه انجمن هلال
احمر وجه فرستاده اند.

در اول دسمبر هیئت طیبه که عبارت از ۲۴

دو کتر و معارین وی باشند روانه اسلامبول نمودیم.

و مصارف آنهم اضافه بر صد هزار روپیه خواهد

شد که انجمن هلال احمر و سایرین ذمه گرفته اند

و هماره این اداره اسلامی در تشویق و ترغیب

مسلمانان برای اقامه مجروحین عمان خودداری

نداشته و ندارد چنانچه محض همین امر دو روز

نامه بومیه بنام جبل المتین یکی در اردو و دیگری

در بنگله اشاعه داده و بگان بگان اساسی معاونین

درج میشود و تلگرافات مخصوص هم از اسلامبول

برای اطلاع مسلمانان هند بطرف اداره خواسته

شده که متوالیاً رسیده و اشاعه یافته است

در بندر لنکه نیز برادران ما ابراز اسلام خواهی داده

مبلغی جمع نموده و می نمایند که جداگانه فهرست آنرا

خواهیم داد، امیدواریم برادران اسلامی این موقع

مخصوص را به یکوئی ملتفت شده جدا اقدامات اسلام

پرورانه نموده در جمع اقامه برای مجروحین عمانی

فرستادن آن کونهای نمایند و علت تاخیر آن هم که

در این دو ماهه در اشاعه جبل المتین پیدا شده تمام بواسطه

مشغول و گرفتاری در جمع و حیره اقامه و فراهم نمودن

تجهیزات

چندین بوده است.

(مکتوب از اسلامبول)

اوضاع سیاست عالم اسلام را بهتر متوجهید .
بعد از اغتصاب ارنالوها ماده سکه مخالفین
حزب اتحاد و ترقی رای اجراء مقاصد خود
دان زن این آتش شدند و فلا خودم بر آتش
آتش میسوزد بیا، بدست حکومت سنار باقان افتاد،
اگرچه بلغارستان و صربستان از مدتهای مدید سعی
بودند برای بلع مقدونیا و یونانستان برای الحاق
جزیره کرید، چون حکومت عثمانی از زمان سلطان
حمید خود بخود در شرف زوال بود این بود که
برای رسیدن بهدای خود احتیاج بحرب داشته
م نظر روز موعود بودند، تا اینکه مسئله مشروطیت
و خلق سلطان حمید و اصلاحات عسکره که حقیقتاً
باید در تاریخ اسم محمود شوکت پاشا را ناجی اسلام
خواند [اگر میگذاشتند]

گاهی بخاطر حکومت باقان تا ایندرجه
خطر نمی نمود تا اینکه مسئله ایتالیا پیش
آمد، حکومت باقانات دیدند که اگر حکومت
عثمانی از این ورطه خود را نجات دهد با این
وضع که گرفته از بکرف مشغول اصلاحات عسکره
واخذ فرعه از جمیع طبقات و از طرف دیگر مشغول
کشیدن خطوط راه آهن در اروپای غربی و اما
طولی، اگر این فرصت را هم از دست دهند دیگر
باید همیشه دندان طمع را بکشند، اینک که از چند
ماه باینطرف در میانه کابینه های حکومت باقان بغیر
از رومالیایک عقد اتحاد بسته اند نتیجه این اتحاد
امروز بمنصه ظهور میرسد، چند روز است امارات
باقانات تماماً عساکر خود را تحت سلاح آورده
بحدود عثمانی سوق می نمایند، حکومت عثمانی هم بالاجبوریه
عسکر خود را تماماً امر داده زیر سلاح بیایند، دو
روز است که شنیدم فر اروپا بغیر از نقل مهمات
عسکری کاری ندارند حق بست اروپا منقطع
است امروز یا فردا املاط حرب محقق است
سه شباه روز است که در باب عالی مجلس و کلا
تعمد و در حقیقت قیامت مسلمین برپا شده،
چونکه حکومت سنار باقان تنها بمیدان جدال نیافتاده
اند بلکه محرك حقیقی که دولت روس باشد ظهیر
معین آنهاست .

تذکرات خبر میدهند سکه در بازده ایالت
روسیه عساکر را بحال سفر بر آورده معلوم

است که نتیجه چه خواهد شد ولی الحمد لله حجاج
ذوی النور و الاحرام امسال از ایران بانسبه به
سنوات سابق بیشتر است .

دیروز حکومت عثمانی امر بریاست لیان داده که
کشتیهای نجاون را که مال حکومت باقان است و
فلا در بحر عثمانی موجودند نگذارد خارج شوند
بموجب امر نامه حضرت سلطان عبد الله پاشا
قوماندان اردوی شرق تعیین شد و علی رضا پاشا
قوماندان اردوی جنوب

بعد از اختلال ارنالوها و سقوط حکومت
اتحاد و ترقی که مابین حکومت خاضره و فرق اتحاد
و ترقی خصومت بود از واقعه بیان نامه تمام شمبات
خود اصدار و خود را معین حکومت حالیه سکه
در مقابل هجمات دشمنان بمدافعه وطن مشغولند
دعوت نمودند

چون وقت نبود که بیان نامه را ترجمه نمایم
عیناً فرستادم

شیخ عبد الکریم جوش که از فضلا متبحر عالم
اسلام بود بعد از سقوط حکومت اتحاد و ترقی
نظر بخواشن حکومت مصریه سکه شیخ مذکور
شریک است با اشخاصیکه مشغول تحریک و اختلال
میباشند حکومت هم شیخ مذکور را بخلاف عادات
سابقه تسلیم حکومت مصریه نمود . از این رو
بروکنهای شدید و تعرضات مؤثر بحکومت خاضره
از جمیع طبقات باریت گرفت

مطالب دیگری هم هست انشاء الله هفته آینده
عرض خواهد شد

الان که این عریضه را مینویسم جمعیت عظیمی در
سلطان احمد تقریباً صد هزار نفر از جمیع طبقات
حق حقیرا هم دعوت کرده مجتمع تمام طبقات دست
از جان شسته یکمرتبه میخواهند با زندگانی صحیح نمایند
یا نحو بشوند - شب و روز نایتر ملی است که میدهند،
از در و دیوار اسلامبول صدای حرب حرب بلند
است ، حقیقتاً انسان از مشاهده این حالات
دیوانه میشود ، شنیدم فرهای روم ایلی و آنا طولی
سه چهار روز است منحصراً بنقل عسکر شده تا خداجه خواهد

(حکومت ایران در خواب است)

سفارت ایران آقای احتشام السلطنه حقیقتاً از

بهر ورود با آنجا اسباب سر بلندی ایرانیان نشدند
مردم بارفخ الدوله و علاءالملک رحمت میخواستند ،
یکسال و دو ماه است که وارد و هیچ فکر عمده
نشده و خودشان هم مقررند

دبستان ایرانیان از سی سال با نظری افتتاح
و تقریباً ده سال است که خسته خانه هم تاسیس
کرده اند - سری سابقه عمده همتشان بر این بود که
نگذارند این دو مؤسسه محو بشود. ازین رو سالی
یکدفعه قونر در سفارت مبدادند و تجار هم نظر
بتوجه شخص سفیر معاونت مینمودند علاوه چهار طرف
سلطنت حمید چه از طرف سفراء اعانه مبداد -
از این عمر سالی تقریباً هزار لیره باید میشد و بقیه
را هم از ملت میگرفتند. امسال قول سرداده نشد یک
لاتوی ترتیب دادند بنا با اصول سابقه که باید شخص
سفیر ریاست آرا قبول نماید و خودش ابتدا چیزی
بدهد بشرا هم فرستند، متاسفانه چنین نشد و بهر سبب که
فرستادند اعانه یافت - حق شخص سلمان، هیئت مکتب
از این رو مجبور با استعنا شدید - عجائبا برای اینکه
این مؤسسه نجاواید با اصرار بعضی از اعزّه موقتا
هستند تا جاؤه بشود

علاوه بر اینها بعد از زمان مشروطیت ایران
و در اواخر ارفع الدوله و اوایل مستنصر السلطنه که
زمان صدارت حسین حلیمی پاشا بود قرار
گذاشتند که سالی بیست سی نفر از طلاب تحصیل
شده از ایران فرستند داخل مکتب حریبه و
طیبه عثمانی عجانا قبول نمود که زود بعد از اتمام
تحصیل مراجعت بایران نموده داخل اردوی ایران
بشوند، چنانچه خود جناب عالی مستحضر و دو جرائد
طهران ملاحظه فرموده اند که وزیر معارف اعلان
داد ، بدبختانه بجز از دو سه نفر از ایران کسی
دیگر نماند ، در اینجا بعضی از بزرگان چنین صلاح
دانستند مادامیکه از ایران نیامده در اسلامبول چند
نفر از ایرانی فارغ التحصیل داریم آنها را فرستیم
چند نفر داخل مکتب حریبه عثمانی شدند
تا اینکه امسال رسید در ایام تعطیل هر کس در
این خیال بود که آقای سفیر بطهران خبر داده
و عقرب خواهند رسید ، چند نفر هم از پارسال
که جا نشده بود در سفارت کبری مقید بودند که

امسال با شاگردانیک از ایران میباید بکمر تبه داخل
بشوند این بیچاره ها خواطر جمع اند که امسال داخل
خواهند شد. از این طرف هم ۷ نفر از مکتب دبستان
ایرانیان سه ساله نامه گرفتند با اینکه سفیر بخود
اینها قول داده بود که اسم های شمارا نوشته ام
و از اداره مکتب هم اشاره نموده اند بکمر تبه
شندم ده نفر از بچه های ۷ ساله که ۶ نفر مادر
شان عثمانی است بعد از اتمام همان آنها را تبعه خود
خواهد شناخت ، آقای سفیر آنها را نوشته از این
رو ما بین ایرانیان غفله اوفتاده حتی روز نامه
شمس چیزی نوشته و بدیوار والده خان چسبانده بود
حقیقتا خیلی مایه اوضاع شد

دو این بین از وزارت خارجه عثمانی اشارت
میشود که باید تنوع را بعضی ایرانیان بدهند والا باقوه
حیریه خواهم گرفت ، شاه آقای سفیر تجار را
دعوت کرده از تجار دو نفر رفته سفیر گفته
بود که تنوع را چرا بدهید باید فردا بدهید
اینهم مزید اسباب گرتگو شد ، بیچاره مستنصر السلطنه
میگفت که من وجدانا مفید نمیتوانم بگویم بدهید
زیرا که علانیه خلاف عهد است ،

(واقعات اخیرة کرمان شاه)

از واقعات شهر بخوانید در سه شنبه ماضی
عرض شد که کلیه اهل شهر در قونسل خانه ها
و شربندو خانها متحصن اند در همان روز سه شنبه
وقت عصر حضرات بختیاری ها با آنها وارد شدند
در روز پنجشنبه قونسلات و حضرت والا تا این مردم
داده و از قونسل خانها بیرون آمدند خیال حرکت
اوردو بود که در شب شنبه یار محمد خان
با قوب سه هزار نفر در چهار از شب گذشته
وارد شده حضراتیکه در باطن با آنها همراه
بودند و اعمانی بلهکه پذیرائی و کسک سکردند
از ساعت هشت شب شنبه مشغول حمله بشهر
شدند ، از اینطرف بختیاری ها با مجامدین
وقزاق و سنجایی که در شهر بودند در سنگر
ها که بسته در اطراف عمارت دیوانی و تبه
(چکاسخ) و کلخ و بالایی توب خانه و در
عمارت دیوانی با توبهای شیندر شصت تیر مشغول
دعوا شدند ، سوارهای آنها در بیرون دروازه

شهر در اطراف قلعه و قونسولخانه های روس و انگلیس و بالا جوب و تبه هیچ علی خان گرفته خود یار محمد خاٹ با شهرهای همدست داخل شهر شدند. در جانب حسن خاٹ الا (علاف خانه) مشغول دعوا صدای توپ شنیدند و توپ شصت تیر و تفنگ گوش فلک را کر میکرد. زن و بچه مردم در اضطراب. دعوا شد بهمین قسم تا چهار ساعت از روز شنبه در ساعت مذکور یار محمدخان در نزدیک درب کاروانسرای کهنه فروشها بضر دوگلوله مقتول شد قشوق او شکست خوردند. قریب ۴۰۰ نفر از قشوق سالارالدوله از (جاف و اهل جوان رو) بضر توپ شصت تیر مقتول و متجاوز از دویست نفر هم دست گیر شدند و قریب دویست نفر در قونسولخانه انگلیس متحصن گردیدند. و وکیل جوان رو با چند نفر از سرکرده هاشان مقتول و قریب ۱۰۰ نفر از سکردستانی ها و جاف مختیارها دست گیر و در باغ (عمادالسلطان) محبوس. جماعت از آنها را مختیارها در این ۳ روزه کشته اند و قریب ۲۵۰ نفر که در قونسولخانه انگلیس پناهنده بودند دو روز قبل مرخص کردند یعنی تفنگ هارا از دستشان گرفته یاد رفتند. اغلب از شهرها که همدست مهاجین بوده بنهان و بدست نیامده اند (بدر خاٹ) تویچی که پذیرائی کرده و قور خانه آنها در خانه او بود بدست آورده دیروز حضرات مختیاری ما آنها را مقتول کردند - استاد حسن خاٹ خیاط با چند نفر دیگر در قونسولخانه انگلیس اند. عبدالله خان فرانس باشی داودخان و جماعت از کاهر که آمده بودند قتل کردند و مختیارها تناب آنها کرده چند نفر آنها را کشته از این طرف تا لب (قراسو) فراری ما را دیال کرده جماعتی را کشته اند (پارودها) که فراری شده ایضاً تعاقب نموده قریب سی جهل نفر آنها را کشته اند. مابقی خودشان را به آب قراسو انداخته هلاک شدند. همه عجمی و همه شکستی کسی خاطر ندارد قریب صد و پنجاه نفر فعلاً در انبار حکومت محبوس هستند تا در باره آنها چه امر شود. پس حاجی مددرا که شامل مهاجین بود دست گیر و فعلاً در قریب زنجیر است. امروز

امروز آمدت که مشغول دفن مقتولین هستند. و کشتگان در خیال ظاهری بالاجوب و غیره هنوز تمام نشده است بازارها درست باز نگردیده مردم باز اضطراب دارند. این جماعت الوار برای غارت آمده بودند کان ندارم که کسی جانب سالم بدر می برد. از خود سالار خبر صریحی نیست. بعضی میگویند آمده تا (برنجان) خبر شکست که باو رسیده برگردیده بعضی میگویند در کردستان است. یعنی این خبر باو برسد فرار میکند. اردوئی با استعدادهای سرکردگی سالار اشجع بسمت همدان حرکت کرده احوال میبرد که بسمت کردستان حرکت کنند. و اردوئی که در اینجا هست اگرچه مأمورند برای قلع و قمع اشرار و لیکن هنوز حرکت نکرده اند. قایدی اینکه فشار آورده بوزرا که حضرات مختیارها را برگردانند معلوم نیست چه بود اگر این اردو در شهر بود و این شکست مهاجین داده میشد خدا میداند که چه میشد حاجی حسن خاٹ مأمور دفن کشته ها است قریب دوازده قرابت میگیرد از قراری که می گویند عدد مقتولین که دفن کرده به هشتصد نفر رسیده. و اردوئی سالار اشجع قراری که از همدان خبر رسیده وارد و مشغول بگرفتن مال برای کردستان بوده است از قراری معلوم اردوئی مختیاری خیال حرکت بسمت کاهر را دارند برای گوشمال آنها - داودخان توه احتشام الممالک کردند که در راه اذیت زوار را میکرد و شرارت زیاد داشت هفته قبل آن را کشته اند. چنین خانه از (برزه دماغ) اشخاصی که همراهی کرده بودند غارت کردند. خانه آقا میرزا مهدی شیرازی را که می شناسید غارت کردند که سنگر علی زمان خشت مال بوده خود او فراری يك برادرش مقتول شده است با بعضی از آدمهایش و فعلاً مشغول گردش در بازارها هستند. از قرار مذکور اردو موجوده مأمور به قلع و قمع ماده فساد و دفع اشرارند -

(مکتوب بغداد)

چون در این ایام ظلمهای متنوعه بر عیای خارجه ایران در عراق عرب روی میدهد عرض می نماید - که در بند ورود آقا

مکرم السلطان کار برداز خانه در بغداد رعیت بی
چاره اندکی خزش حال شدند چه شنیده بودند که
مشارایه مامور با کنایتی میباشند

حین ورود شان چیزی ~~که~~ روی داد
عزل احمد خان نائب خاقین و تعیین ناصر خان ترحان
سابق و نایب عزل نائب کاظمین و تعیین ملا صفر
فراشباشی کار برداز خانه و عزل و عوض بعضی از
مامورین اشرف من جمله آنها محمدعلی نائب مندی
که جزئی سوادی دارد (مندی در حدود واقع است
عشتر کلهر و بستکوه و غیره ازین طرف آمدند
دارند) و مامورین عثمان از آنها ~~که~~
مذکور شدند حسابی نمی برند چه میدانند
~~که~~ از کدام مکتب سیاسی شهادت نامه دارند
~~که~~ قانون باشند و با قانون حرف بزنند که طرف
مقام به احرام با آنها سلوک نماید - چونکه هیچ
نیستند و ابدأ کارهای راجع بانها نمی بینند ، مشارالیم
سکوت اختیار میکنند -

از قرار مکتوب کربلا که يك نواز و متین بیفرض
می نویسد درین تازه يك نفر زرگر که غیر از کوره و
آلت زرگری چیزی ندیده نایب کربلا شده و کسبه
بازار هر وقت که آنای نایب را می بیند مسخره می
کنند ، انصاف بدهید زرگر بکار نیابت میخورد ؟
و آن هم در ولایتی چون کربلا که متصرف نشین
است و قیاس بجای دیگر نتواند شد -

يك نفر مسیحی موسوم به (رزوق شکری) تازه
ترجانت کار برداز خانه ایران شده شرح حال
مشار الیه را يك نفر موقن چنین مذکور نمود
که ۶ سال قبل در اداره (داود ساسون و شرکاء)
منشی بود و او را بیرون کردند بایرون رفت -
چهار سال قبل در بغداد در محل (اوسر و اوویانتال)
بعضی دلال محل وارد گردید و بداز چندی
او را بیرون کردند یا وقت - خوب بود آقای
مکرم السلطان از ترجانت جدید می پرسیدند
که قبل از این تاریخ ترجانت کدام قریسولخانه
و یا اگر در تجارتخانه کار کرده شهبانامه و یا کی نامه
را ارائه بدهد آن وقت اگر دیدید که یا کی نامه در
دست دارد او را در کار بردازخانه استخدام نمایند
و نمای ایران در عراق هر چه کی از فرط بریشانی ولود

این مملکت شده انداخته باید نومی سلوک با آنها کرد که
مابنه خوشحالی ایشان شود . در عراق عرب دولت
علیه عثمان ، و وگور ، تمنع ، شوبه ، احسانیه ، و
چیزهای دیگر از آن بچاره ها گرفته و میگیرد -

و در قسبات اطراف بغداد چونکه داد خواه ندارند
آهلا تذکره تبعیت داده اند و جبراً لباس مسکری
میباشند ، زوار مکاریه از خاقین الی بغداد
هزار زحمت انواع مشقت و تعدی از مامورین و
غیر مامورین عثمانی می بینند داد و فریاد میزنند کسی
بدادشان نمی رسد ، و آهای کار برداز از جمله
کسبه تذکره نفوس يك تومان میگیرد از قرار یکی
از اکراد قبلی برای بنده گشت فراشهای کار بردازی
بصحابت يك نفر (برکه) نام سر جسر بغداد را
گرفته هر حالی از کردها با او وارد میشود او را
نمیگذارد رد بشود با او انداخته و او را جبراً
در کار برداز خانه برده وجه تذکره از او گرفته و پول
میکنند و اگر پول ندارد او را حبس مینمایند ، و کذا
در محله آنها سر بازارا میگیرند و دسته دسته آنها را
بزور در کار برداز خانه میبرند که تذکره بگیرند بچاره ما
داد و فریاد میزنند که روزی دو قران مداخله داریم
چه بخوریم و چه به کار برداز بدهیم اگر يك تومان
قرض نمائیم برای پول تذکره باید ه روز خودمان
با اطفال با بیخواران بشویم تا قرض ادا شود ابدأ
کسی گوش بحرف آنها نمیدهد و میگویند کار برداز
هر تذکره نیم قران به (برکه) مذکور میدهد ~~که~~
ابرایانی که تذکره نگرفته اند پیدا نماید - سابقاً در
زمان استبداد که گویا ایام ظلم بود کار بردازی بغداد
در هر سال يك دفعه کدخدای هر محله که ایران در
او ساکن بود احضار میکرد هر چه فقرا بود تذکره بجای
میداد و از متمولین هم یکقران الی دو قران بیشتر
نمیگرفت ، قبل از ورود مکرم السلطان در
بدو مشروطیت تذکره نفوس را بقران گرفتند
بدان آن کسبه را از قرار يك قران تذکره دادند
امسال گویا از طهران مواجب برای آقایان نمی آید
و یا اگر می آید کفایت نمیکند که از بچارگان از يك
تومان کز نمیگیرند ، در ایام استبداد هم پول از طهران
اگر نمی رسید لیکن به استادی پول از بچار و غیره
حاصل میشد ، حالا بچار انواع دارند پول از عبوام
بچاره میگیرند ، چرا ~~که~~ میدانند بچار شکایت بطهران

در زمان مشروطه از طرف اصفهان وکیل دارالشورا بود میگویند بعد از آنکه بمجلس وارد شد تمام راپورتهای سری مجلس را بمحمد علی رساند در مجلس خودترا چنان قلم داد کرده که در نزد ساده لوحها اول مشروطه طلبهای معروف بود آنزمان که محمد علی به باغ شاه رفته علاءالدوله و سردار منصور را تبعید کرد در مجلس چند نفر از وکلاء که زیاد اظهار حرارت می کردند و محمد علی بد میگفتند یکی این جناب بود ، حتی روز پنجشنبه هجدهم ماه جمادی الاولی ۱۳۲۶ وقت عصر در مجلس مقدس سر با ایستاده زیاد بدگون از محمد علی ~~سکرت~~ کرده باره دیگر از وکلاء اصناف ساده لوح متابعت کرده شبانه راپورت مجلس را توسط موقرالسلطنه و سعدالسلطنه بمحمد علی رسانید تا روز سه شنبه بیست و سیم ~~سکه~~ بمجلس مقدس توب زده شد ایشان دیدند بعضی از بزرگان مشروطه نائب در سفارتخانه انگلیس بناخته شدند جناب ایشان هم بنارت خانه مذکور رفته چند روزی در سفارت مانده از خیالات متحصنین سفارتخانه خبردار شدند روزی به پستانه حمام رفتن از آنجا خارج و بیاغ شاه رفته اسامی متحصنین و خیالات آنها را تمام وکال بعرض محمد علی رسانیده جایزه و خلعت گرفت تا سال بعد که فتح طهران شد با جنابان سپهदार اعظم و سردار اسعد خلطه و آمیزش زیاد انداخته و حال آنکه در سابق امثال ایشان را حق بود که در حضور سپهदार یا سردار اسعد تکلم نمایند یا در مجلس ایشان بنشینند از برکت وکالت باین مرتبه رسیده بودند .

در دوره دوم مشروطیت باز بمسئولیت وکالت نشسته چه صدمات عمده بر سره ظهور رسید خدا داند ، بین سپهदार و سردار اسعد را امثال ایشان بهم زدند ، چه کارها از دست ایشان بر آمد که مضایقه در اعمالش نکردند خدا داند و بس ، عمده اسباب تفاق بین اعتدالیها که در واقع اوتجابی بودند و بین دموکراتها که در واقع انقلابی بودند امثال ایشان شدند همین که محمد علی از استراخاد سر در آورد مطلب را تا الی یومنا هذا فهمیده و دانسته بطمع تولیت ارض اقدس افتاده اسباب جینی از هر طرف فراهم ~~سکرت~~ کرده تا بدین خدمت

میکنند از مردم پول بنوان جزا میگیرند لیکن وره نرسید باجزا دهنده نمیدهد ، ازقراری که شایع است دولت عثمانی امر داده که هر ایرانی صاحب ملک و یا در این مملکت متولد شده باید تذکره تبعیت باو داده شود و لباس عسکری بپوشد در این باب خود کار برداز تلگرافاً بطهران خبر داده گویا جواب از برای او نیامده است و کسبه نیز چند تلگراف نموده اند جواب آنها هم تاکنون نرسیده است در این اوقات زوار و مکرمین که از راه خاتین می آیند اگر قطعه قالی یا اسباب پوشاک داشته باشند ماهورین گمرک آنها را آورده در گمرک انداخته و رسم گمرک درصدی بزرده بگیرند - میگویند چونکه قاجاق است در صدی ۲۲ بلکه در صدی ۳۰ باید بدهد بی جرعه زوار غریب دوروز در کمرک سرگردان شده آن وقت رخصت اخراج اشیای خود را حاصل میکنند بعضی ها چونکه ملاحظه میکنند رسم کمرک از قیمت اشیاء آنها بیشتر است راه خود را گرفته مطابق هیچ نمی کنند - خوب است در این باب آقای کاربرد از افلا یا بقصر بابه نائب خاقین خبر بدهد که اگر زوار و مکرمین الاغ بی کمرک داشته باشند در کمرک خاقین رسم کمرک و تذکره رخصت و یا رسید به آنها داده تا در بغداد دوباره مبتلا نشوند گویا ازین گونه مساعدت جزئی تکامل نمود اند و الا این قانون قاجاق گرفتن تقریباً دو سه ماه است جاری گردیده چرا آقای کار برداز خبردار نشده اند ، و احتمال دارد اخوی ایشان در باب اموا قاجاقی دوسه دفعه در کمرک آمده باشند بی ادلاع نیستند - الحاصل انسان ملت و مبهوت میباشد که دولت ایران گویا نه در داخله و نه در خارجه در قید رعیت پروری هست هر کس هم دو روزه مسند وزارت و اشغال میکند جهد او این است ~~سکه~~ افرای خویش را بوظیفه برکارد ولو اینکه قابل طمبویت هم نباشد -

مکتوب خراسان

چون نامه مقدس جبل الثین بی غرض مطالب حق را درج می فرمایم لذا خواستم همه از احوال بزرگان ارض اقدس رضوی را بیان نمایم تا قاری بهره مند شوند و بدانند که هر صدمه که بدین اسلام و مملکت اسلامی رسیده از این بزرگان دین و دولت بوده است ، اول شروع می کنم شرح حال تولیت ،

بزرگ نائن شد - یا لاجب که خدمت را خوب
 باخر رساند بمحمد علی و دشمنان دین بکو
 خدمت کرد و بهانه بدست ایشان داد که مرقد مطهر
 علی بن موسی همدان گلوله توپ و تفنگ دشمنان
 دین شد و حال آنکه خود را متولی آستانه
 میدانست ، در واقع خدمتی بروس کرد ، چندین سال
 قبل (کره یا کین) سر کرده روسی این خدمت را
 می خواست بکند اسباب برایش مهیا شد ، امسال جناب
 ایشان کردند اول ورود ایشان بارض اقدس حاکم شهر
 رکن الدوله و سیدگی بکار ها نمی کرد این مرد چنین
 موفقی را برای خود خواب نمیدید مشغول شد بذخیره
 انداختن برای روز مبادی خودش !!
 در این اواخر دوشیز از طهران برای تولیت
 نامزد شده هر دو ظاهر اولاد جسمانی - یکی میرزا
 کاظم تبریزی داماد مظفرالدین شاه ، دومی ایشان که
 مرتضی قلی خان باشد ، خیانتی که از این دوشیز
 آستانه شد از احدی نشده است ،
 یوسف خان هراتی بخبریک روس باجمعی از الواد
 نوغان و سرشور و سراب که بدور او جمع شده اول
 در مسجد نزدیک ارك چادر زده دسته که سنگین شد
 حرکت کرده بصحن و مسجد آمدند سید محمد طالب
 حق و سید علی سیستانی که از عمائد اشرار و الواد
 بودند بایشان ملحق شدند ، حال طالب حق بر همه
 کس معلوم است ، اما حال سید علی اصلش از اهل
 سیستان و مادرش از تراکمه است مدتی در
 سامره بود همیشه بین دو نفر از طلاب یا اهالی بخاری
 که واقع میشد بزرگان که در صدد اصلاح ذاتالبین
 درمی آمدند معلوم میشد منشاء تمام این مفاسد
 ایشان بوده ، بعد از فوت مرحوم آیه الله
 شیرازی ایشانرا از سامره عذرشانت خواستند ،
 نجف آمد دید حالتش بر آفتاب نجف معلوم
 است نتوانست بماند چندی در صکر بلا ماند ، آقای
 صدر دام ظلّه چندی تحمل ایشانرا نمودند آخر الامر
 صبر ایشان بنهایت رسید اخراجش نمود آمد
 بمشهد مقدس ای کاش قسمتش نمیشد و بمشهد سلامت
 میرسید که این دامیه عظمی را فراهم آورد ، در
 مشهد چند نفر از ابائمه صنت کسانی که شمار خود
 شان کرده اند (نذیر و قلب رادر و مستان بی
 جوراب رفتن بموی ابرو شنا گذاشتن ، عامه کریاس

بر سر نهادن از اطرف وصی مسلمانان بلکه
 وارث تمام مسلمانان شدن و پولتیم و صنیرا خوردن
 ای کاش همین بود ، بلکه بدانتن چندین مسئله رساله
 مناسک شیخ مرتضی (ره) و سایر رساله عملیات
 حاشیه کردن و مسلمانان را بضلالت انداختن و رجال
 امام از عوام کالانعام گرفتن باسم اینکه بنجف می
 میفرستیم در خارج شهر باغ و بوستان و قلعه و
 دهکات گرفتن بدور این سید منسد جمع شدند
 و این را شکارگاه خود قرار دادند ، این
 جماعت با این سید در صحن مسجد جمع
 شده بتحریرک خارجی محمد علی را خواستند
 و بدوات روس علائیه بالای منبر در مسجد در
 حضور امام رضا دعا کردند و بعلای حقه اسلام
 مرحوم مفتور آیت الله طهرانی و خلد آشیان
 آیت الله خراسانی و آیت الله آقای صدر و آقای
 حاج شیخ عبدالله و آقای میرزا محمد تقی شیرازی
 کثرت الله انما لهم سب و لعن کردند تا اینکه به حسب
 ظلمت بهانه بدست و خنی برون مال عالم و دولت
 ارض افتاد ، ولو در واقع تمام تحریرک از او بود
 روز شنبه دهم ماه ربیع الثانی بگنبد حرم اطهر
 و گنبد مسجد مقدس و سردرهای صحن قدیم و
 جدید و مسجد توپ و تفنگ مثل تکرک بلریدن
 گرفت ، زیاده از پانصد نفر از مرد و زن ضریب و
 مجاور کوچک و بزرگ در آرزو کشته شد ، مرده
 از ترس جان بقاء بحرم و رواق آورده بودند که
 افسر روسی باتوب مسلسل یکی از رواق دوایستاده
 از بجزیره بفره و یکی از پشت سر از صحن کهنه
 و یکی از ایوان صحن جدید بحرم و رواق بستند
 جمع کثیری از زن و مرد و عجزه در رواق حرم
 شهید شدند ، سنگهای اطراف دیوار حرم و رواق
 سوراخ سوراخ شد ، فرشهای حرم و رواق را که
 بچاره گان از هول جان بروی خود کشیده بودند
 بلکه مانع از نفوذ گلوله باشد سوراخ سوراخ شده
 تمام خون آلود و گوشت و پوست مسلمانان
 آنها چیده است ، میگویند جناب متولی باشی
 آن فرشهای اعلاهی شاه عباس مرحوم را بروسها
 قیمت کی فروخته و پولش را به نائین فرستاده ذخیره
 برای روز جدش قرار داد ، فرض خیانت این متولی

باشی پاشاه مقدسه را که بخوام عرض نمایم قلم از تحریرش عاجز است .

یازدهم ماه تمام جنازه و اجساد شهداء را بدستور العمل متولی باشی همه را در عرابه کرده از دروازه پایین خیابان بردند بیابغ خونی که چند سال است بانک مرابحه روس او را خریده و محل خوابگاه خود قرار داده ، و از سابق چند گودال در آنجا کنده و حاضر داشتند تمام جنازه را از مقتول و مجروح همه را روی هم ریخته آهک بر آنها پاشیدند و خاک بروی آنها ریختند ، از مرشب الی صبح باین کار مشغول بودند ، چون اجساد زیاد بود شبانه تمام نشد . آنچه باقی بود صبح آنها را بعضی از اخیار و صلحاء شهر آمده برداشته در قبرستانها دفن کردند در همان شب آنچه از جواهرات غیبه که در خزانه مانده بود چندین جلد کتاب و قران بر قیمت مال خزانه حضرتی که سلاطین صنویه و بزرگان هندوستان وقف آستانه مقدسه کرده بودند با چند قطعه فرش اعلا که از شاه اسمعیل صنوی و شاه عباس در خزینه بود که قیمت آنها خدا می داند متولی باشی بروسها قدیم نمود ، ایسے کاش همین اکتفا کرده بود ، بعد بخط خودش کاغذی بروسها داد که اصلاً و ابدأ از موقوفات آستانه بدست عسکر منصور دولت بپه روس بیضا ترفه شد از این همه کار های بزرگ جناب ایشان بخوبی آمده دیدند جنایت بزرگی بعالم اسلامیت از ایشان ظاهر شده فردا از عهده جواب بیرون نخواهد آمد ، مشغول شد باجزای آستانه از بزرگ و کوچک فرانس و دربان و وضعیه خور هر کس رسید بدشتم دادن در این مدت مدید آنچه توانسته دخل کرده از اجزاء آستانه تمام حق بکنفر از یزد های آستانه و خاشین را تغییر و تبدیل نهاد .

(بی ذات نایافته از حق بخش)

کی تواند که شود هستی بخش)

این است حال متولی باشی و آمال ایشان

اما حال رئیس نظمییه مشهد مقدس که جناب منیر نظام باشد ، اولاً خودیش را نزد بعضی ساده لوحان مشروطه طلب مشروطه طلبی

قلم داده و حال آنکه جوهر استبداد است ، تمام فرمایشات قونسلخانه را اجابت میکنند ، در شهر قار خانه شایع شده خاصه ایام ماه رمضان چندجا خانه اجاره کرده در هر شب دو تمام قار خانهای حاضر می شود و حق خودشرا از آنجا میگیرد ، کار ترقی کرده در کوچه بالا خیابان و پائین خیابان دو معبر عام چند جا قار خانه و ورق بازی دائر شد در این شبهای عزیز چه کارها که نمی شود خدا عالم است .

چند نفر از بزرگان قزوین چندی قبل بعشده آمده که عازم بیت الله شوند لوطیسا خبر دار شده از قیل رئیس نظمییه و حاج ممان و حاج معین و سید داشم شفیق و جی دیگر تمام پول اینها را بیاد دادند ، درد بدرمانت عبدالحمید نام ترک تبریزی که از مشایخ فساق تبریز و مدتی نزد محمد علی در تبریز بخدمات ایشان مشغول بود فلا در قونسلخانه مستخدم است - این شخص از معاریف قار بازهای مشهد است ، مامن مجلس قاری که پای هزار و دو هزار تومان در کار باشد حاضر و ناظر است و غاب و ابورهای مسلمین بدست کنار از ایشان میرسد ، غرض رئیس نظمییه دو شهر مشهد اسباب هرفته و فساد و شرارت عمده میباشد چندی قبل ایشان و متولی باشی را از طهران عزل کردند که روسها مانع شدند و نه گذاشتند ، معلوم است نمی گذارند عزل شوند کما اینکه میخواهند در مدت دو ساعت اشراوصحن و مسجد را متفرق بکنند میتوانند و نکردند و شد آنچه نباید بشود ، در این سال همین رئیس نظمییه زیاده از بیست هزار تومان از مشهد از پول قار و جبریه مال دزدی و فتنک و فتنک دران که از دست مردم گرفته دخل کرده است اما حال شاهزاده ایالت حلبه ، این پیر مرد را در چند مجلس در طهران و سفر اول مشهد ایشان و نیشابور ملاقات کردم بسیار مرد صحیح و مسلمان است ، نمی خواهد بمورچه صدمه برسد ، لکن حرمس ایشان جوان است ، از عهده قابل خوششان می آید ، رد احسان محمد فرمایند . حسن ظنی هم باجزای خاصه منسوبی خود دارد چندین حال سندی بامورات بملکت فرماید - ابوربات محول است بخازن الملك و نواده شاهزاده فتح الدوله که رشوه در اداره ایشان

شیوع دارد، لکن خود شان خبر ندارند اگر خبر شوند فوراً بصاحبش بر میگردداند، رایش و سرکشی هر دو را مجازات میکنند، لکن نمیتواند بایشان برساند که فلانکس در فلان اداره فلان مقدار رشوه گرفته و بناحق حکم داده است، رساندن این اخبار بشاهزاده مگر آنکه توسط رجال الغیب باشد آنهم برایی هم ممکن نیست، مثلاً رشوه در زمان استبداد هم باین واضع نبود، تجار فروش فروش برای عمل فرش بطهران سؤال و جواب داشتند چند تلگراف در این بین رد و بدل شد تلگراف آخری که بر وقف مرام تجار رسید رئیس تلگرافخانه پنجاه تومان از ایشان انعام و هدیه میخواست که تلگراف را به تجار بدمد دو شبانه روز نداد تلگراف را تا یک جنت قالیچه از تجار نگرفت نداد، ایالت جلیله از این مطلب مسبوق شده و رفع این زیادتی را از تجار نکردند، لکن الحق والانصاف در تهمینات آستانه و خرابیهای صحن و گنبد کمال جدیت و سعی و اهتمام را دارند، بقاعده مشغول بنانی هستند - اما در خرابیهای مسجد کوه رشاد اقدای نکرده اند و ظاهراً نمکنند، چون متولی باشی اسان بروسیه رفته بوده مخارج فوق العاده برای خودش و پسران ایشان شده، جی این است که ایشان را مجبور نمایند که زیاده بر دوست سال است که موقوفه مسجد را ببخورند، ده هزار تومانی هم خرج تعمیر و خرابی مسجد نمایند که اگر این زمستان بگذرد و تعمیر نشود سال دیگر ده هزار تومان به سی هزار تومان میرسد، برای آنکه نوب روس آبادی برای خانه خدا نگذارد اگر سه هزار خرج مسجد بشود پسران متولی را به نزاکت شلست بر می خورد مخارج روسیه و فرنگ سال بعد ایشان نافع می ماند، ای خدا خودت حکم

غرض در اداره شاهزاده یکمتر از مفسدین ترک است امش حاجی عبدالحسین زوار تبریزی آتشی شده بجان مسلمانان افتاده صدمات بی دربی است که از ایشان ب مردم میرسد - چشمه آبی است در اجاره یکمتر از مسلمانان او را ب مجبور کرده که باید بقیه مدت اجاره را بمن بدهی و از آب بچاره گرفت، خودش دانا زد ایالت جلیله است هر روز بهانی مداخل اوست

اداره بعد از آنکه در تمام ادارات مظلوم بچاره را لغت کردند برسم هدایا و تحف آنچه گرفتند آخر همه نوبه ایشان بسته بانصافش است، نفس مظلوم که بخلق میرسد ایشان تمامش کرده وها می کنند این است حال والی مملکت و اجزاء اداره ایشان خلاصه پسر همین حاج عبدالحسین از سرشبه های فرقه اتحاد اسلام است و حسین زاده که در راه شاهرود صدمه ها بزوار و مسلمانان کرد آنهم از این سلسله میباشد، هر وقت ایالت جلیله خواسته در دفع حسین زاده اقدای بکند اسد آقا خبر دار شده محرمانه باور رسیده که در حق نوجوین اقدای خواهد شد غرض ایالت جلیله از جهات کثیره ترجیح دارد بر سایر ایالات بلکه می توان گفت که سی سال است ارض اقدس ایالت باین خوبی ندیده است حیث که مزاجاً اعیل و سایر قوایش قوی است و کار را تمام بکسان خود واگذار کرده شخصاً بکارها خودش رسیده کی نمی کند که بداند حاج عبدالحسین و خازن الملک و رئیس نظمی و سایرین چه آتشی بجان مسلمانان میزنند

اما از حالت عالم نمایان ارض اقدس امان - امان - چه گویم که ناگفتم بهتر است، اکبر واسن ایشان حاج میرزا جعفر که عمرش هشتاد سال است از حال متوفی آستانه و غیر آستانه زیاده بر یک کرور داراست در این سلسله اهل علم ظاهر آحادی صدمه بشرع قدر ایشان زده نزدیک بایشان شیخ فضل الله نوری بود که چند سال قبل در طهران بعد از آنکه مدرسه و مسجد و قبرستان وقف را به بانک روسی فروخت اهالی طهران اجتماع کردند و تیسراتی که در زمین مسجد و قبرستان و مدرسه شد، بود خراب کردند، شیخ نوری بشخصه خودش بخانه رئیس بانک روسی رفت در حلقی که سفیر روس هم آنجا بود، در آنجا نوری دستور العمل داد بسفیر و رئیس بانک که شاه بوزارات خارجه سخت بگیرد که جلوگیری نماید، من با علاءالدوله و وزیر داخله سخت میگیرم تا رفع این فائده بشود اما جناب آقا میرزا جعفر قونسل روس را در مشهد میبانی کرد در باغ زیاده بر حد و بجاه تومان مصارف یک نهار و شام شد، از عشق آباد مشروبات و ماکولات آورده بودند در آن میبانی چه گاندها قونسل

داده چه تنها که بریتة اسلام زده خدا دادند چه تلگرافات تشکر آمیز به بطرس بورخ کرده و چه تلگرافات طهران کرد که ما چهار بست سکه اطراف حرم مطهر داریم لازم نیست نمی خواهم سالدات روس و قزاق وارد محن حرم و مسجد بشوند -

دیگر از معتمین این شهر میرزا ابراهیم رضوی است این مرد چندان درس نخوانده و بیست سال است غصبا بالای مسند نشسته حکم میکند چند نفر از متجاملین بقسوق در خانه جمع کرده بجهت آنها خلاف ما انزل الله حکم داده و آنان بجهت اجراء می کنند

دیگر از مخربین این سلسله جلیله شیخ عبدالحسین بالا خبابی است این ریش سفید با طالب حق دست بدست داده کردند آنچه نباید بکنند باز احکامها نکرده با مورات شرعیه رسیدگی میکند بمناسبت اینکه با اجزاء ایالت جلیله ربط کاملی دارد آنچه میتواند میکند

دیگر از مخربین آقا میرزا عبدالله متولی مسجداست با دو پسرانش دو هر منهدم این مرد پیش قدم بوده و مایه گذاشته باعث برهمن اساس اسلام شد، دو پسرانش بعنوان پیش خدق برای طالب ححق دامن همت بر کمر زده و مایه زیاد از موقوفات مسجد برای هدم مسجد و خراب شدن مسجد بتوب روس گذاردند، بعد از این خرابیها سفر روسیه و اروپا نمودند، چه پولها که در آنجاها مصرف کردند خدادادند - قبل از ماه رمضان مراجعت بشهر کرده بعد از آنکه بحضور ایالت جلیله رفته شاهزاده از مخارج سفر ایشان سؤال فرموده متولی جواب داده بعد از اصرار شاهزاده متولی عرض کرد تحقیقاً مخارج این سفر را نمیدانم بنده زاده میداند شاهزاده فرمود میخواهم بدانم مخارج این سفر شما زیاد شده یا مخارجی که اشرار مسجد سکردید و باعث بر هدم و خرابی خانه خدا شدید؟ از آن مجلس که متولی بیرون شد خود را بتاروش زده چند غایب برای خود حاضر کرده ظاهراً مشغول معالجه است و در خارج شهر رفته - لکن پسرانش در تمام مجالس افتادیه حاضرند

اما آقا زاده کانشان، آنچه سابق در این شهر دخل

سکرده تمام را محمد قوروش آبادی برده و بعد از مراجعتش کمتر بکارها رسیدگی میکند بلکه چند نفری از اخبار و صلحا را بول داده روزی چند ساعت در خانه خود حاضر میکنند این چند نفر مجتمعا بکارهای مردم رسیدگی مینمایند مخارج خانه خودشان و مخارج این چند نفر از کجا میرسد از زیر سجاده خدا میرساند اللهم محفل فرج وایک

یک نفری تازه طلوع کرده حاج ملا هاشم نام این مرد سواد فارسی دوست ندارد مسئله کر بودن خود را تقدس قلم داد کرده علی الدوام خانهای مردم میرود وصی اموات و اعیان میشود - وجوهات از مردم اخذ میکند باسم اینکه به مشاهد مشرفه رواته مینامد، در کارهای خیلی بزرگ مداخله می کند، بدتر همه از این مرد عوام عالم تا چیزی دیده شده که صدمه اش بر شرع و شریعت از همه چیز بالا تر است و ساله عملیه را حاشیه کرده است غرض امروزه اهل مشهد استلاء دارند بچند نفر معمم از قبیل میرزا ابراهیم و ملا عباس علی فاضل رسید علی سبستانی و شیخ عبدالحسین بالا خبابی و از اجزاء آستانه اولاً بتولیت و ثانی بتاتم مقام و میرزا یحیی ناظر و اجزاء حکومت و خازن الملک و منشی نظام و شاهزاده محمد حسن مرزا و غیره، خدا خودش فرجی بدهد که مسلمانان و عبادالله آسوده شوند، امین

الحاصل بمناسبت خدمات نمایانی که مرتضی قلی خان نائی متولی آستانه مقدسه باعلی حضرت دولت بهبه روس کرده تمام اخبارات کاذبه که باید در بین مردم نشر شود و منشاء و جاعل آن قونسلخانه است این خدمت محول و منوش بوجود ایشان شده، علی الدوام هر روز هر شب می کاغذات که باقیان شهر مینویسند که فلاش مطلب واقع شده بعد معلوم میشود از قونسلخانه در آمده است چند روز قبل انتشار داده و بچند جا کاغذ نوشته که یار محمد خان سالارالدوله را کشته است بعد معلوم شد دروغ است، دو طهران چند نفر از سفیدین دوست ایشانند هر روز تلگرافات دروغ و مزخاربه میشود در ۲۸ شوال میرزا مسعود تبریزی مشهور بالقان پسر حاجی میرزا حسن تبریزی از بس سکه در

تبریز بدستباری میرزا علی اکبر خان قونسل گری سعادت و مسلمانان را بتل و تبید و حبس توسط قونسلخانه گرفتار کرد آقای سبه دار چند روزی صلاح در این دانستند که در شهر نماند او را محترماً با برادر کوچکش اخراج کردند برادر کوچکش عازم اورویا شده خود ایشان در تمام شهرهای روسیه از جلفا و تملیس و بادکوبه و عشق آباد مهان روسیه بوده در میانههای آهائیش می فرمودند از سرحد روس که بخاک ایران داخل شد با پنج نفر قزاق روسی بوده که شبها بکفتر قزاق نگاه بان و حارس ایشان است ، بعد از ورود قبل از همه کار اول بقونسلخانه تشریف برده سلام والد ماجدش را رسانده بعد بکارهای دیگر مشغول شده است - خداوند با روسها محشورش بگرداند - احدی در مشهد از ایشان دیدن نکرده مگر صاحب مناصب قزاق و سادات و بعضی اعضاء آستانه که من جمله متولی باشی و دبیر التولیه و اولاد قیب و حاجی میرزا جفراند (مکتوب کلات)

بدینا خان محترم را بقرائت کتابچه و مسوده (پروتکل های) آبهلی کلات که دو ماه قبل عرض و ارسال شده معلوف داشته ، پس از آن مطالبی که راجع بان پروتکل قرار داد هست اشتهار میدارد اراضی و صحاری که موافق آب قرار داد زراعت و بنا از هر قبیل در آنها قدغن است امساله در آن اراضی اهالی خور و امیرآباد که از توابع کلات است زراعت کرده بودند و از طرف مامورین دولت ابداً ازین زراعت قدغن نشده بود که نتیجه آن بروض منفعت خانه خرابی و کاشانه ویرانی شد - حفظ این قرار داد مذکور بجهت (اکنت) درجز که امور خارجه کلات نیز بدان متعلق است میباشد - مشارالیه توسط خاندان روسی در داخله بر مراتب زراعت و غیره مسوق شده و چندی قبل از تاریخ این ورقه خود را چون اجل مطلقه یکی از سرحدات کلات رسیده و مامورین ایران نا چشمهای خواب آورده خود را بچ وانی دهند مشارالیه دوست نفر قزاق روسی و يك افتر و عده توکمن بر سرحد مزبور وارد

کرده مشغول خرابی و روشه گیری است ، حق بگریستن و بستن چوبزین رهایی این سامان مشغول گردیده تا از کلات راپورت داده شود و از مشهد جواب بدهند که حق سوار وارد نمودن یا حق بعضی اقدامات را سماً ندارند حضرات (اکنت) و افسر جداً مشغول ترمیم امور از قبیل درو کردن زراعتها و سوزاندن خانهها گردیدند ، بحکومت کلات امر شده بود مشارالیه حرکت کرده و همراه (اکنت) برای باز دیدن خلاف پروتکل و زراعتها بروند که چندانی بحسابی برعیت ما نشود ، حکومت محترم بعد از هفت هشت روز ازین امر بر سیل تهن به سرحدات قره تکلیت و غیره رفته و مشغول ترمیم امور خود گردیدند ، پس از بنگاه چهل روز که روسها مشغول خرابی جنس و انبیه و ذواعت بودند دسته دیگر مشغول اخذ قدینه و اجناسی قریب بنقد شده و کار را بحمل ۲۰ هزار خروار غله از راه تهمه روسیه خانه و فیصله داد بر گشته (ای بسا دل که بخواند منتفی گردید) اهالی خور و امیر آباد چهچهره و سایر قراء نامه کلات بلاوه اینکه غله با اندازه معاش خود و قدر مالیات جنسی دیوان را پردازند ندارند ،

روسیها بر حسب اقدامات کافی و وافیة اولیای امور دولت علیه ایران بی زحمت کشت و درو و اداء قیامت ۲۰ هزار خروار گندم بار و حمل روسیه نمودند آفرین با اقدامات آنها و صد هزار آفرین بکفایت اولیای امور ما - بهرحال چون غرض از این جمله صرف اطلاع و بدون اطلاع و تفصیل است باقی بملاحظه و تصور خوانندگان نامه مقدس و امیدوارم بواسطه اینکه از مشهد که مرکز ایالت خراسان است دور افتادیم از جزئیات اخبار آن اطلاعات کافی ندارم ولی همین قدر اطلاع دارم که ایالت خراسان از مشغول تعمیر و مرمت صحن و حرم مقدس رضوی شده و خرابکاریهای روس هر آله مکان مقدس قریب بانجام است - مشهور اطراف آن الحداقه امن و امان و دو نهایت اوزاری و ادارات در کمال ترتیب مشغول انجام امور و احوال بخود هستند ولی ، همد قورش آمده که یکی از اعوان و انصار بلکه دست راست و دست چپ نامرحوم که از اعجاز حضرت بسزای خود رسید می

به گردش و نقشه بر داشتن رفت ، کسی نمی داد که ایالت کبری چگونه این اجازه را داده اند ، که آیا با اطلاع دولت بوده است یا بدون اطلاع دولت و در محلی که مدتها ندیده است و يك نفر از اتباع خارجه نمیتواند داخل شود و همواره قراول و سرباز دارد چگونه اجازه داده اند ، بهر حال مطلب ما معلوم است -

کرمان

امیر منعم فرما فرمای کرمان پس از تلافی . سارقین بهارلو و جنگهای عدیده و کشته شدن ۱۴ نفر بقتلاری و گرفتاری جوی از سارقین که متولای بشهر آورده ، و گنج گرقین چند نفر واجب القتل و نظایات راه یزد ، سالار امجد فرزند خود را که نهایت رشادت را در جنگ با بهارلو بخرج داده حاکم رفسنجان فرموده تمام خطه مغرب شهر را باو سپرده که ماهی سه دفعه قوافل یزد را سالماً به یزد برساند ، و امر فرمودند حماری دور بهرام آباد کشیده خندق حفر نمایند که از هجوم سارقین فارس و خرابی سیل زمستان محفوظ باشد زیرا که بهرام آباد مرکز رفسنجان و دارالتجاره است ، لهذا با نهایت اعزاز ورود بشهر فرموده سالار موبد فرزند دیگر خود را بحکومت بم و نرماشیر و جلوگیری از اشرار و سارقین بلوچ ، ماور و عما قریب خود ایشان بجهت تنظیم بلوچستان و تادیب بلوچهای سرحدی و مواظفیکه که در این چند ساله شرارت آنها از حد گذشته تشریف خوانند برد - عجالتاً عموم اهالی شهر و بلوکات تا بکدرجه آسوده و نهایت تشکر را از این ایالت جلیله دارند ، زیرا که بدون اغراض امیر منعم شخصی است متدین ، خیر خواه ، صاحب عزم جدا طالب امنیت و آسایش عمومی ، از اغراض و بعضی صفات ذمیمه بعضی حکام که با لقاء اتفاق دخل می برند مبری ، سوار ایشان نیز در نهایت تنظیم ، امید است دوام و بقای داشته باشد عموم طرق و بلوکات و امنیت داده بلکه راه تجارت مفتوح و اهالی از این خسارت و فقر و خسران نجات یابند هر کدام از عمال که سبب به برعیت بی اعتدالی نموده او را معزول و امسوال مردم را از آنها اخذ و به صاحبانش می دهند

باشد در حدود نیشابور مشغول جیاول و وزدی و غارت است و خاطر محترم ایالت خراسان را مشغول داشته و چوون در يك محل توقف میکند چندین مرتبه از مشهد استمداد هزینه داده شده بدون انجام کار برگشته اند (دارم امید که آنها زمین بر خیزد)

بدیهی است که هر کس در بمباردمانت صحن مطهر شریعت داشته و دارد و مصدر این خیانت شده است بسزای اعمال خود رسیده و خواهد رسید ، چنانکه یوسفخان هراتی و حاجی عبدالرحیم صراف و برادرش حاجی معاون هراتی بهدترین حالی رسیده و ایالت سابقه خراسان از شغل خود معزول و مزوی گردید و بالاخره هم بسزای کافی اعمال خود خواهد رسید ، بجای ایالت سابق جواب والا نیرالدوله و همین طور بجای کار گذاری سابق جوانی عالم و مذهب باحرارت و کار دان منصوب شد که اگر در شغل خود پاندازه ساعی نباشند شغل خود را هم مهمل نخواهند گذاشت - قونسول روس نیز از مشهد بروسیه رفته است و نخواهد مراجعت نمود -

دو مراسلات و اخبار سابق عرض کرده ام کلات که عبارت از يك زمین وسیع و اتراف آنرا يك تریب طبیعی و مرتعی کوه بلند و مرتفع مثل دیوار محیط است از زمان ناصرالدین شاه به بعد غدغن است که آنهاجا خارجه را عموماً از هر قبیل بداخله آن راه میدهند - چندی قبل يك نفر صاحب منصبهای روس مقیم مشهد با ۹ نفر سالدات سواره قصد داخل شدن بکلات را کرده در دریند کلات سربازان قراول دریند مانع شده و بحکومت اطلاع داده حکومت نیز به ایالت مرروض داشته و تلگراف صادر شد که داخل نشود ، پس از چندی یکی از صاحب منصبهای بزرگ روس که موسوم به (اشکو رات) و هشت سال داشت ، مقیم مشهد است با ۱۴ نفر قزاق و سالدات دستخط اجازه ورود از ایالت کبری به عنوان گردش در داخله آن دریند کلات گرفته و داخل کلات شده ، بایکدقت تمام گردش کرده و همه جا نقشه برداشته حتی از يك مسجد هم چشم پوشی نکرده و با اتباع خود داخل مسجد شده و نقشه لازم برداشته و به دریند آن و سایر محلهای کلات

(مکتوب بوشهر)

عادت حکام بر این امر جاری شده بود که قاپه نوکر و بالاخص شخص کلانتر که بمنزله نظمی و حافظ امنیت و حارس امراض و نوابس مردم است بکس قانون دولتمند عالم از طباق و عناسر سافله انتخاب شوند - و فرمایشات از این انتخاب این بود که بتوسط این سکنه اشخاص مسئله دخل و کامرانی و عیش و شهوت رانی ایشان مرتب و منظم باشد، یک قدر را باسم کلانتر دخالت تامه و نفوذ مطلقه بخشیده آن بی انصاف هم بدون خوف و هراس هر چه میخواست میکرد و هر چه میتوانست میگرفت معلوم است در صورت نبودن قانون و قعدان مشولیت و بذل اختیارات تامه از طرف حکومت تسلط این گونه نفوس چه قدرها اسباب خرابی و ویرانی ملک و ملت میکرد - اصطبل بویخانه دوانی اسپ داد - کلانتر بیست و اسب نگاه میدارد سرباز خانه خراب میکرد موپله کلانتر آباد میشود ضمیمه زائره توقیف میشود کلانتر عیش میکنند - تشکیل شرکت قاجاق میشود کلانتر شرکت دارد - بعد از حاج نا خدا علی از جمله کلانتراییکه در این دوره هرج و مرج اخیر ایران فعال مایشان شده بودند عبدالرسول کلانتر بود بواسطه طول زمان و مدافعه حکام از ارتکاب هیچ عمل قبیح و فراهم آوردن اسباب خرابی ملک و ملت فرو گذار نمیکرد، اگر بشرح وقایع عمده بوشهر از سنه ۱۳۲۲ تا کنون که اغلب آن درج نامه مقدس شد پرداخته شود معلوم خواهد شد که مصدر همه خرابیهای این چند سال اخیر با اشارات بوده است - سال گذشته موقرالذوله بخدمت بوشهر منسوب و عامه مردم و طبقات ستمدیده مترصد بودند که عبدالرسول بعد از مجازات از محل کلانتر منحل شود و مکاری و کینه از دست او آسوده شود، ولی موقرالذوله بملاحظات غرض منعمه نمیدانیم با محبت اختیار و کاستن از اقتدار و توصیه بحسن سلوک او را کافی السابق بعمل حراست شهر باقی گذارد مشارالیه هم بطابت ماجرای حکومت را منتقم دانسته پس از معاهده با بعضی

از سیر جان اخباران رسیده که اهالی قاپتا بر ضابط شوریده و او را جواب داده - لهذا امیر منعم اردوئی مصحوب سردار نصرت رئیس قشون مامور سیرجان فرموده که پس از تحقیقات و تشبیه و مجازات شورش طلبیان هر گاه ضابط ظلم و بی اعتدالی نموده او را معزول نمایند و الا هر کس مرتکب این خلاف شده مجازات نموده انتظامات آن حدود را بر فرار داند -

فصل و وقایع آنجا را منصلا پس از رسیدن اخبارات صحیح اطلاع خواهم داد

مسلم است امیر منعم مطلقا راضی نیست احدی نسبت برعیا بی اعتدالی نماید - اول التزامی که از ضابط میگردد این است که اگر احدی از ندی آنها طارش شد فوراً معزول خواهد شد، لا کر بعضی مفسدین در بلوکات وجود دارند که محض دخل بردن خود اسباب دخل برای ضابط شده راه نمائی کرده ضابط را اغوی نموده بالاخره کار بجائی منجر می شود که امنیت یک بلوک بهم میخورد محتاج فرستادن قشون و خرج فوق العاده آن میگردد

یکی از احکام امیر منعم که جای تمجید است این است که حکم فرمودند تمام بلوکات برج های مشید و قلعه های متین ساخته اهالی تماما قنک و قنک خرید در برجا همیشه تفنگچی گذارده بخارج آنها را بخرج مالیات دولت محسوب دارند که در مواقع آمدن سارقین مدافعه نمایند، این قانون در قدیم نیز بوده متدرجا بواسطه امنیت تمام قلعه ها و برجها خراب شده، امروز که مجددا دوره بربریت قدیم تجدید یافته لازم است استحکامات بنا نمایند

غذجلی خان افشار و حسین خان مجازبی از وقتی که از شهر رفته دیگر نیامده، سایر مجازبیان چون در شهر آمده مشغول خدمت میباشند، امیر منعم از قصیرات آنها اغراض فروده، صاحبان اموال نیز استرداد اموال خود را بروز باز پسین انداخته، آنچه افشار و مجازبی در این مدت برده اند باز پرس نکرده و نخواهد کرد. کلبه در این عصر اموال دزدی و غیره حتی جرم و تاراج را جزو سایر جرائم نمیدانند گاه حکم حلیت از مصدر امور بر آنها رفته است امید است در موقع خود شرح این ماجرا را تشریح نموده باشد

خوانین که در عدل قاجاق شریک هستند بتکرار اعمال سابقه و ایدای مکاری و سببه و غیره مخلوت نمود

چند یوم قبل موقرالذوله بمح خیال عمیدان دست نهی و تناول او را کوتاه و عموم مردم را از سیئات اعمال او آسوده و رهین تشکر فرمودند بعضی اشخاص در گوشه و کنار در صدد برآمده معلوم است اینها همان اشخاص هستند که سهم تعدیات و شریک مداحان نامشروع او بوده اند و اگر شخص حکمران جوامد شغایت نامقبول این گونه شغاه طماع را قبول فرماید به يك امی چندین ساله خود سکنه وارد آورده حسن بقین عامه را بسوء ظن مبدل خواهند فرمود. یوم گذشته زائر محمد حاجی صالح دشتی که رئیس تنگچی گمرک لاور است و شش ماه قبل بیست و هشت نفر رعابای خنبصر لاورا از مرد و زن و بچه در بکروز کشته و چند فروند کشتی آن بیچارگارا با بار آتش زده ظاهرا برای اصلاح کار و باهنا برای حمایت عبد الرسول وارد بوشهر شده این مطلب باعث هیجان حضرات خنبصر که ساکن بوشهر و جبری و ظلم آباد و سنگینی هستند گردید - بمجرد استماع این خبر از طرف حکومت بریس کرک اخطار گردید که بودن زائر محمد در شهر محل امنیت و آسائس است همین امروز باید حرکت کنند. و عصر همان روز زائر مذکور با تنگچیان خود حرکت نمود. و بدان یعنی حامیان عبد الرسول اساس مندر را خوب فراهم آورده بودند ولی فراست جناب حکمران آن اساس را منهدم ساخت و همه را بجای خویش نهاد بموجب خطوط بهدیان از حسن سکنایت جناب امیر مجاهد کلیه اوضاع آن سامان رو بخوبی گذارده و امنیت و آسایش بر قرار شده است از بدو ورو ایالت ظفرس راه شیراز و بوشهر بالنسبه سابق در بعض منازل بهتر شده است بعضی خوانین دشتستان بر همان شرارت سابقه باقی هستند و مادر آینده برای استحضار ایالت جلیله و کیفیت شروع در اصلاح آن سامان مقاله بنویسه نامه مقدس اشاعت میدهم شاید قبور حضرت چنان قد پیام ما

(ایضا)

اصیبه تعدیات حکومت بنادر در تحریک خوانین چند حکومت بوشهر و فراهم آوردن اسباب

انتشاش شروع شده است - قریب دو سال است اطراف و نواحی آسوده و ابدای خدای تفک بلند نمی شد - ماه گذشته اقتدار نظام که در زمان درباریکی نائب الحکومه لنگه نوشته بدخول سواجرا انگلیس داده بود برگردهکی چند نفر سوار برای رسانیدن قافله بوشهر وارد و ضمناً هم تمام خوانین را ملاقات نمود - بد از رفتن مشار ایبه معلوم شد که در ملاقات خوانین يك بیغام سری داشته است که حق المقذور انتشاشی در نواحی فراهم آورده شاید بحکومت درباریکی بنادر نائل شود و فعلاً نتیجه بیغامات او این شده است که زائر خضر که یکی از دست پروردگان او میباشد استخلاص عبد الرسول کلاز سابق را بیاورد نموده امنیت راه بوشهر تا احمدپرا تهدید میباشد یکی دیگر از خطبها و غلط کاری های حکومت سابق این است که توسط یک ذر آدمهای خود که در بوشهر است صدو پنجاه نفر تنگچی و پنجاه نفر سوار برای حفاظت راه شیراز خواسته و بازر و سببه بخوانین اطراف حالی نمود که ایالت دارای اقتدار و قوه نیست. همینکادم او از عهد انجام این خدمت بریامد بیانات معروض داشت که حکومت بوشهر مانع از آمدن تنگچی شده است، غرض این است که از بیل به حکومت بنادر آنی از فتنه و دسیه آرام نیست بهر نحو که باشد اسباب انتشاش فراهم میآورد جناب آقا سید محمد علی شهرستانی مدیر روز نامه العلم این ایام وارد بوشهر شده و ظاهراً عزم سیاحت داخله ابرار دارند

(تلگرافات راجعه بهمان)

بر حسب تلگراف [ریکا] مورخه ۲۹ نومبر مجدداً

بمبارکات (سقوطه) از جانب قره ضایع شروع گردید -

روزنامه (زایون) دولت یونان و امتنه نموده

سکه طمع خود را از جنوب البانیا مرتفع دارد چه دولین استریا و ایتالی متفقند که البانیا حکومت آزاد و بیطرف قرار گیرد -

پس از سه هفته متوالی که سرادوردگری در وزارت

خارج مشغول بود برای يك هفته برف دهات و حساب

گردید ازین رو معلوم میشود سکه در عرصه ۲۴

ساعت مناقشات بین المللی اروپا خیلی رو باصلاح گذارده است -

بر حسب تلگراف اول دسیر که از اسلامبول

رسیده با مالی تصدیه مهلت جنگ را نموده و فردا امضا خواهد یافت، و این مهلت جنگ فقط به ادربانویلی و شتالچی مخصوص نیست بلکه متعلق به تمام جنگ اروپای عثمانی میباشد. تا وقتی که گفتگوی صلح در میان باشد التوای جنگ قائم خواهد بود - و حالت دول متحارب همان قسم بر قرار خواهد ماند که در موقع دستخط التوای جنگ باشد - تا اکنون گفتگوی شرایط صلح پیش نیامده از پیرو خبریکه منیساب ادربانویلی و انتظام سرحد شده بی اصل معلوم می شود -

حکومت قره طاغ سه نفر از بلغاریانرا برای شرکت در هیئت شورای التوای جنگ از طرف خود منتخب نموده است -

در شتالچی شروط التوای جنگ که با مالی در ترمیم شروط بلغار پیش نموده غور و بحث می نمایند کابینه اسلامبول را بورت و کلا، صلحیه را که در التوای جنگ پیش نموده پس از غور بر آت اشاعه داده بحث آنها تشفی بخش بوده و تا فردا دستخط خواهد شد -

قشون ردیف ترکی را که بلغاریان گرفتار نموده از اردوئی اند که در میان [تمریش و کرخالی] ساخلو بوده سعی داشتند که بطرف (کالی بولی) بروند اسماعیل کامل بی جهان الفاظیکه بوزارت ابطالی در خصوص آزادی البان تلگراف نموده بود بوزارت خارجه استریا هم تلگراف کرده است -

استریا حکمی صادر نموده که فرستادن اسب بخارجه موقوف باشد. سه مسوده قانونی که منبای مصارف جنگی وزیر اعظم استریا بتاريخ ۲۸ به دارالتواری پیش کرده - يك مد آن برای اجتمع افراد قشونی است که عمر شان به پنجاه نرسیده باشد -

بر حسب تلگراف لندن تحریک سر ادوردگری وزیر خارجه انگلستان در پاریس رسیده مینویسند که این تحریک تاکنون صورت صحیحی را کسب ننموده ولی اثرات دوستانه که این تحریک در بران انداخته امید بحسن عاقبت آن میرود - اهالی ویانه همچو تصور میکنند که اگر مواد این تحریک اجباری نباشد بصورت چند قابل قبول خواهد بود -

ظاهراً سر ادوردگری در ضمن ملاقات سفرا اظهار داشته که خیلی مناسب بود که شورای سفرا

در یکی از پای تخت های دول بشود در مسائلیکه دول مربوط بر آئند اگر چنین شورایی بشود وقت نخواهد گرفت و تصدیه مسائل به آسانی خواهد شد - همچنین گفتگو تملقات دولت انگلیس را به البان و جزایر بحر سفید و داردانز مخصوصاً ذکر نموده - سفرا تجویز سر ادوردگری را بدولت خودشان پیش نموده و در این خصوص غور میشود -

بر حسب تلگراف [اطن] قشون بلغار در ۱۹ جهازات نقاله ۲۸ نومبر وارد (دیدیاج) شدند -

بر حسب تلگراف دوم دسمبر سفیر آلمان (برلین کتورسکی) وارد لندن گردید و در مهانی (رایل سوسایتی) بیان کرد که اتحاد آلمان و انگلیس قائم و اسباب مسرت است که این دو دولت دو برقراری امنیت اروپا ساعیند و تاکنون اتحاد یتیکی این دو دولت تا باندوجه با خلوص یت نه بوده است - و من آرزو دارم که آغاز این اتحاد را بحسن انجام تکمیل نمائیم -

حالت جنگ بالکان بهمان وضعی است که بود با وجودیکه دستخط نمودن بر شرایط التوای جنگ ۲۸ ساعت ماطل مانده چه دولت یونان بوکلاهی خود اختیار دستخط کردن نداد، بود - شروط التوای جنگ ازین قرار است -

اول - محاربین بهمان حالیکه بوده باقی مانند -
دوم - آذوقه به محصورین توانند رسانید -
سوم - محاصره بحری بنا در موقناً مرتفع گردد -
دولت یونان که برای دستخط التوای جنگ و کلاهی مخصوص میفرستند قابل غور است، یعنی چنین نایبته می نماید که یونان اعتماد بسایر امارات بالکان که بلغار را مختار نموده اند ندارد -

شروط التوای جنگ تا تاریخ سوم دستخط نند - چه تاکنون و کلاهی یونان را دستور العملی رسیده است بر حسب تلگراف صوفیا پادشاه بلغار بطرف شتالچی و همیار آمد، و رفیق شاد فردینند به شتالچی ظاهر میدارد که شرایط التوای جنگ تکمیل یافته است مدت التوای جنگ هشت روز قسراً یافته و ممکن است بیکرته دیگر هم درین مدت افزوده آید - گفتگی در آن موقع خواهد شد که شرایط صلح موضوع بحث آید و جهان گفته میشود که دول

شخصه بالکان ۴۸ ملیون پونان جنگ خواهند خواست -

بحسب تلگراف پاریس هنوز صورت هیئت کابینا سنرا منباب تصخیه امور بالکان پیدا نموده است و چنان تصور میشود پس از اینکه آلمان و ایتالیا و اسریا بر تاسیس چنین شورائی رضامند آنوقت دفع مشکلات نواد گردید - این شورای سنرا در بروکسل یا هیک و یا دریک از پایتخت های دول بیطرف منعقد خواهد گردید -

نظر براینکه دولت روس مؤید تمام خام مامیدهای سرویا خواهد گردید دروینا امید بر قراری صلح قوت گرفته - روز نامه موقتی مینویسد که اسریا را عنبری نخواهد بود که سرویا بندوی در ادریانک تحت سلطنت البانیا قبضه خود آرد ، روز نامه نیم رسمی (ویاه) مینویسد که دولت اسریا امیدوار است که دول اروپا بحسب آخرین دستور العمل او پای بند خواهند بود -

بباردمان سقوطاره تاکنون جاری و بارشکی زیاد قره طاغیان را مشوش داشته است -

بحسب تلگراف ویاه امپراطور فرانس جوزف جنرل (وون هوت ددورف) را که از رومانیاعودت نموده در باز ملاقات فرمود -

بحسب تلگراف بلگرید تردید شده که رومانیا در سرحد شانی سرویا قشون جمع و سرویا هم سنگربندی مینماید -

بحسب تلگراف لندن قبل از رسیدن قشون بلغار در (دیدانتس) مقام [کومتیاغیش] در قبضه آمان در آمد و در آنجا بلغاریان قتل عام نمودند - در متولینیکه عهدشان به ۵۰۰ میرسد عیسویان هم هستند - محله ترکان را یکدفعه غارت نموده بر باد ساخته اند -

روز نامه طمس تلگرافی از سلاویک اشاعه داده که مقدونیا در خون غرق است - این مملکت بیکناه برحم و مروت حکومت قشونی موقتی بلغار واگذار شده و با بیچاره وسیع قتل عام جاری خاصه در نواح سلاویک - مسلمانان هم در این برهه شامند - سپاسیون اسلامبول را عقیده این است که شورایی سنرا در لندن خواهد شد چه این

تحرک از طرف دولت انگلیس شده است - و بحث در آن در بوداپست خواهد شد که تعلق بر آن دارد -

بلغار ، سرویا ، قره مانغ و ترکی راضی صلح اند یونان ظاهرا میخواهد جنگ را جاری دارد درپاریس افواه است که (مسیو بونکر) یونان را متنبه ساخته از اختلافیکه میخواهد در اتحاد امارات بالکان بیندازد

روزنامه جات یونان سائر امارات متحده را یاد آوری نموده مینویسد که شرط اتحاد ما خانه بخشیدت به سلطنت عثمانی در اروپا بود چگونه بگامیابی نجه مقصود اکتفا توانند کرد

در مجلس شورای ملی بران درموقعیکه بودجه پیش می شد رئیس الوزراء (دوکروان بتان هولک) سخن را بحال جنگ بالکان معطوف داشته اظهار داشت که مراسلات بین دول اروپا منباب بالکان جاری است ولی عنوان این مراسلات و اینک ظاهر نمیتواند نمود ، خلاصه آن این است که بطریق صحیح مخبرات دول پیشرفت مینماید و از هر دولت نوید کامیابی میرسد بدون شبه دعاری و حقوق دول آنوقت مدنظر گرفته خواهد شد که دول محارب شروع صاحبنامه خودشانرا اعلان نمایند در آن موقع ملاحظه خواهد شد که دعاری و حقوق دول معصوم با چه و که گردیده ، و اگر در آن موقع این معامله نکرده ناچار هر یک از دول حقوق خود شانرا پیش و در آنوقت دول حلیف هم دعاوی خودشانرا شامل خواهند نمود ، اگر در موقع پیش نمودن دعاوی آنان دولت دیگری بحق تلقی آنها قیام نماید و حقوق آنها در معرض خطر آید ناچارما از راه وفا داری بدول متحده خود مات همراهی خواهیم نمود و قیماً بحیثیت دول حلیف متحداً خواهیم جنگید ، و مقامات خودمان را در اروپا محفوظ خواهیم داشت ، و مرا ایضا است که در اختیار چنین مسلکی هم ملت همدردی و محبت با دولت خود دارند - و ما بعد از خانه این جنگ سعی خواهیم گردید که حیات استقلالیه عثمانیه بر قرار ماند که باصول اقتصادی و سیاسی اهم ضرورت را دارد - دول سایر بجز کوشاک بر این امر

هستند - مشارالیه اظهار داشت که هیچدوای مائل نیست که به عثمانی ضمانت رسیده قطعه از مملکت او را بگیرد
 حزب سوسیالیست رچتاک در ضمن لفظ رئیس الوزرا از امبراتور روس مذمت نموده اظهار داشته که در این موقع اتحاد ما با انگلستان بدرجه کمال است - مراسلاتیکه بین برلن و لندن میشود اساس اتحاد دولتین را و پایه متین می نماید - بر لفظ رئیس الوزرای برلن در رچتاک سیاسیون انگلستان و فرانسه و جراید لندن و پاریس بنظر موافقت می نگردند - با این همه جراید پاریس می نویسند در این موقع نازک نواختن نغمه جنگی بجا و فضولست بر حسب تلگراف صوفیه آخرین جلسه وکلای صلح شام سوم منعقد گردید و چنان امید میرود که بشرایط اتنوی جنگ دستخط شده است - بمصرین چنین دانسته اند که هرگاه ضرورت پیش آید بدون اینکه یونان امضا بر شرایط مهلت جنگ نماید امارات سایر ممالکان دستخط خواهند نمود - یونان اگر بخواهد میتواند زوداً جنگ را جاری دارد

بر حسب تلگرافیکه به لندن رسیده شرایط اتنوی جنگ خیلی بسیط تر است از آنچه تا کنون تصور بوده - از جمله شروط یکی آنست که در مدت گنگوی صلح اتنوی جنگ قائم خواهد ماند و عثمانی مجاز خواهد بود که بقلاع محصوره و قشون خود در هر جا آذوقه برساند و کانت رور معلوم نموده است که یونانیان رضا بشرایط اتنوی جنگ ازین رو نمیدهند که قشون و ملت ترکیه با این که شکست یافته تصور خواهند کرد که امارات بالکان شکسته و این شرایط به آنها قبول آمده شده است

بر حسب تلگراف اسلامبول در جلسه وکلای صلح شام سوم دسبر شرایط اتنوی جنگ دستخط نگردیده است اروپاییان را بطریق عموم وای این است که شورای سنرا منبای صلح عثمانی با امارات بالکان در لندن بشود و بتاریخ ۳۰ ماه دسبر انعقاد شورای سفرا در لندن خواهد شد

یونان بهر حال رضا داده نمائند خود را کبرای صلح در شورای سفرا لندن منعقد خواهد شد بفرستد دولت یونان کمال تعجب و تکرر حاصل نموده که بلغار شرایط اتنوی جنگ را قسی که

بحال ترکان نافع است منظور گرفته روزنامه جنگ (اطن) میگویند که سرویه افتاد هزار قشون بجرای می توانست به نتایج برسد و یونان هم بخت جہازات جنگی خود را باختیار امداد متحده بالکان میتوانست بدهد و ازین روفج کابل امارات بالکان یقینی بود - یونانیان را عقیده این است که امارات متحده بالکان را لازم بود که کایه عبویان را از وقت شرقان کمالاً آزاد نمایند -

۴ دسبر از اسلامبول تلگراف رسیده که بلغار و سرویا و قره مانغ امضا نمودند شرایط اتنوی جنگ را بر حسب تلگراف صوفیا مواد اتنوی جنگ ازین قرار است که حالت دول محارب بمقام آنها قسی که هست باقی ماند و قلاع محصوره از فرستادن آذوقه ممنوع خواهند بود و آذوقه برای قشون بلغار از بحر اسود و ادریا نویل فرستاده خواهد شد و این امر ده یوم بعد از اتنوی جنگ خواهد بود و تاکنون فرستادن آذوقه برای اردوگاه بلغار از ادریا نویل ممکن نبود چرا که آهن عثمانی نزدیک به آذوقه وجود است یونان دستخط خود را بر شرایط اتنوی جنگ ۲۴ ساعت ملتوی داشته ازین رو امید میرود که دستخط نماید بر حسب تلگراف اسلامبول یونان برای امضای بشرایط اتنوی جنگ چنین خواسته است که جزیره (جنینا) باو بپرد آید و قشون (جیسوس) تسلیم بوی شوند - دو مقامات مذکوره یوم یکشنبه و دوشنبه سخت جنگ پیش برداشت -

کماندان ادویا نویل تلگراف می نماید که قشون دور شهر ریز چهار شبه شلیک توپ و تفنگ نمودند و ایقان داده است که قشون تا آخرین نفس به حفظ ادویا نویل خواهند کوشید -

بر حسب خبر قره مانغ قشون ترکی از سقوط طره یوم دوشنبه علی الصبح خارج شده بر اردوی محاصر شلیک نموده از دو بعد از ظهر تا علی الصبح جنگ جاری بود و عاقبت ترکان پس از تحمل قتل زیاد باز پس نشستند روز نامه حات انگلیسی حرکات یونان را در عدم امضای شرایط اتنوی جنگ شهادت و ملامت می نمایند و از این اقدامات یونان خوف آن است که بچینکی در اروپا پیدا شود - و مینویسند که ملت ترکیه بسی نزدیک و هوشیارند و برای انداختن تفاق بین دشمنان خود کان مهارت را دارند و ازین تدبیر فایده خواهند گرفت

جبل التین کلکتہ

مدیکل کالج انڈیا نمبر ۴
HABULMATIN OFFICE
4, MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA

کلیه امور اداره بامدیر
کل مؤیدالاسلام است
هردوشنبه طبع
سه شنبه توزیع میشود
بوم دوشنبه
۲۰ محرم ۱۳۳۱ هجری
مصادف با
۳۰ دسمبر ۱۹۱۲ میلادی

و کلاه حق ائمه ایرونه بدون قبض ندارند و تا وقت که
مشاورین را بعضی قصور سال بیستم دست نیافتند
ذمه شان بری شناخته میشود

نامه مقدس

المنتانک

سنه ۱۳۱۱

(قیمت اشتراك)
سالانه شش ماهه
هند و برمه
۱۲ روپيه - ۷ روپيه
ایران و افغانستان
۴۰ قران - ۲۵ قران
عمانی و مصر
۵ مجیدی - ۳ مجیدی
اروپا و چین
۰۳ فرانک - ۱۶ فرانک
مراسلات خصوصی بدون امضای
روس و زکستان
۱۰ منات - ۶ منات
(معروف اداره درج نمیشود)

در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملایم بحث میشود
(مقالات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آراست)

عظمت اجداد

تأجج مصائب اسلامیان و واقعات اسلام نوز
مساله مزید مصائب مسلمانان در این محرم گردیده بود
مجالس ماتم آل عبا صلوات الله علیهم اجمعین کا کان
منقذ و بذکر مصائب آل اطهار ذاکرین مشغول و به
تخت پاشی جراحات مسلمین مصائب روزمره مسلمانان
هم ذکر می شد و صدما یک سال گذشته مسلمین
روی داد از وقعه آذربایجان و گیلان و به دار
زدن حضرت فاطمه الاسلام و سایر خادمان حقیقی دین
محمدی و بمباردات مرقد مطهر رضوی و خاتمه
استقلال مراکش و رفتن طرابلس از قبضه اسلامیان
و بنش آمد کفونی جنگ بالکان به مصائبی است که
میبگاید مسلمانان فراموش نتوانند نمود . میتوان
گفت از آغاز اسلام تا کنون سالی میثوم تر از
سنة ماضیه برای مسلمانان نیامده کلیه مسلمانان از
هر صنف و هر طبقه از یکطرف بذکر مصائب
مشغول و از طرف دیگر بجمع آوری اطامه برای
مقتوان و مجروحین اسلامی چست کر بمیان بسته
بودند و هنوز هم نمیتوان ایشان کرد که مصائب
اسلامیان خاتمه پذیرفته و چه معلوم نیست نتیجه
صنح چه خواهد شد و چه مصائب برای عمانی
بعد از جنگ پیش خواهد آمد ، اینها همه نتیجه
جهالت ما مسلمانان و عاقبت نا اندیشی بزرگان ماست
امساله پیش از پیش حکومت هند بحجاب قلوب
اسلامیان کوشید ، از یکطرف اطامه برای عمانی جمع
و از طرف دیگر با وجود اعلان بطرفی اجازه

برقن هیئت های جراحیه از هندوستان برای علاج
مجروحین عمانی داده شد .
در یوم عاشورا وقتی که علم مصیبت ایرانیان
کا کان بیرون آمد مخصوصاً حکمران بنگال جناب
(لارڈ کارمایکل) که تازه بکامه آمده اند رسماً
خواهش ملاحظه علم و وضع تزیه داری ایرانیان
را فرمود ایرانیان هم با منتهای اخلاق اظهار امتنان
از این مهربانی حکومت نمودند . لارڈ موصوف
با زوجه محترمه شان در عمارت پلیس معروف به
لال بازار رونق افروز شده دو نفر از ایرانیان
را هم برای تحقیقات طالب فرمود آنچه تحقیقات که
از بابت علم و شرح جزئیات مناسب دیده پرسیدند
لارڈ معظم با منتهای مهربانی اظهار کمال همدردی
را نسبت به طایفه مسلمین خصوصاً ایرانیان کردند .
علم کا فی السابق با همان دبدبه و شکوه و دست های
سینه زن و کتل و غیره از جلو ایشان گذشت غالب
بزرگان شیعه و سنی مصیبت با علم داشتند
اداره پلیس کلکتہ بهتر از سنوات سابقه در
انتظام علم و تقارک آسایش عابرین کوشش داشت
درین چند روزه محرم منتهای زحمت را کشید عموم
مسلمانان خاصه ایرانیان از حکمران مهربان خود
(لارڈ و لیدی کارمایکل) ازین همدردی صمیمانه
اظهار تشکر می نمایند ، و از (مسٹر هالیدی)
کشتار پولیس و سایر اعضای این اداره جلیله کار
امتنان را دارند ، و زجات لایقه ایشان را کابلیق
قدردان و توقیرات ایشان را از خداوند خواستگارند

(بالکان و عثمانی)

اگرچه از یکطرف باینطرف رموز دانای
 انقلابات بالکان را پیشگویی نموده بودند ولی سرعت
 پیش آمد این انقلاب را آشنایان سیاست یکی از
 نتایج معاهده سال ۱۹۰۷ روس و انگلیس میدانند
 معاهده مذکوره دارای چهار رکن است ایران ،
 افغانستان ، پاکستان ، و آلبانی و اساس این معاهده
 برای جلوگیری از عدم نفوذ و اقتدار آلمان
 در شرق و غرب بود - بدو آلمان باصول سیاسی
 در ملاقات امپراطور روس در پورتسم کوشید که
 آن اتحاد را برهم زند انگلیس با تدابیر عملی و
 نمودن نفع روسیان دولت روس را از اتحاد با
 آلمان باز داشتند روسیان همینکه احتیاج انگلیسان
 را بدوست خود ملاحظه نموده آغاز بجلب منافع
 سیاسی از این معاهده نمودند . اول قدمیکه برداشته
 آمد در موضوع ایران بود که نتیجه اش معلوم و
 تاکنون بلکه تا سالهای دراز انگلیسان را از تشویش
 و یقین روس بجانب هندوستان آرام نخواهد
 گذارد از آن بعد گویا دولت انگلیس منگولیای
 چین را حال المصلحه قرار داده ظاهراً توجه روس
 را از تبت منقطع داشت و بوساطت انگلستان
 منچوریا هم حال المصلحه قرار یافته ژاپون نیز از
 اعتراض روس منباب منگولیا ساکت گردید در حقیقت
 منگولیا در نفوذ روس و منچوری تحت اختیار
 ژاپون و تبت در تحت روسخ انگلیس قرار گرفت
 دولت آلمان از نقشه ریزهای حریفان در ایران
 و چین متنبه شده برای برهم زدن نتایج اتحاد دولتین
 در موضوع بالکان مصمم آمده بدو مسئله مراکز
 را پیش آورده معروضه صحیح از فرانسه تجاذب
 کرده به تحریک او ایتالی بقیصه طرابلس ضرب که
 قریب است چشم طمع بدان دوخته بود اقدام و هنوز
 کار آن میدان یکسو نشده بود که مسئله کنونی بالکان
 پیش آمد -

بقول يك از سیاستپون اگر مسئله روس و
 انگلیس در سال ۱۹۰۷ نبود امتریا جو فکر هر يك
 روسینا نمی افتاد ، چه اگر بدقت ملاحظه شود
 مسئله هر يك و روسینا وقتی پیش آمد ، مسئله آلمان
 دانست که خرابداد روس و انگلیس در شرق و غرب

نام برای جلوگیری از نفوذ سیاسی و اقتصادی او
 اگرچه الفاظ معاهده چنان بودی ولی حرکات دولتین
 روس و انگلیس خاصه در ابرار نیک آن را در
 حقیقت آن معاهده اذای ساخت - پس اگر دقت شود
 و بکنه غایبات سیاسی برسم دیده خواهد شد که
 جنگ بالکان و الحاق هر يك و بوسینه و تصرف
 ایتالی در طرابلس ضرب بلکه پیش آمد مراکو
 و آینده مصر تمام ناشی از معاهده روس و انگلیس
 در سال ۱۹۰۷ میباشد و جمله این پیش آمدها
 نتیجه يك سبب سیاسی جناب سرادورد گری است
 که در آینده بلکه سالهای دواز ملت و دولت انگلیس
 و آشوش و دوچار فکر خواهد ساخت و جمله
 این تشبثات برای جلوگیری نفوذ سیاسی و اقتصادی
 آلمان در شرق و مشرق قریبه بوده ، ولی در هر قدم
 ملاحظه شود زبان انگلیسان درین معاهده میشود
 دیده خواهد شد ولی فعلاً بچاره و لا علاجند و
 زبان این معاهده انگلیسان پیش از آن است که
 به بیان در آید و کان می رود که انگلیسان در تبت
 و ایران و افغانستان هم بتوانند در جلو این
 تدلیسات سیاسی موقع خودشان را حفظ نمایند

یکی از جرایم آلمان مینویسد همینکه مسئله
 بالکان خاتمه پذیرد نقشه ایران هم دگرگون خواهد
 گردید یعنی همان قسمیکه يك رکن معاهده روس و
 انگلیس در بالکان زیر و زبر شد رکن دیگر آن
 معاهده هم که در موضوع ایران است زیر و بالا
 خواهد گسردید تا یکی دو سال دیگر راه آهن
 بغداد به مرحدات ایران میرسد و آنوقت است که
 آلمان بجز حفظ حقوق سیاسی و اقتصادی خود در
 ایران بکوشد و آن موقعیت که روسینان خویشان
 را باچار دیده دست اتحاد به آلمانیان در تضییع
 منافع اقتصادی و سیاسی انگلیس توام قدم زنند

اگرچه ظاهراً جنگ بالکان در آینده نزدیک خاتمه
 پذیرد و نظام بین عثمانی و املاوات بالکان صلح پیش
 آید ولی خاتمه جنگ و انجام صلح آغاز کشمکش
 سیاسی دو اتحاد بزرگ دور تلافی خواهد گردید
 و کان نمی رود که دول حریف منافع پس از تضییع
 امر صلح بگذارند بنابراین لزومی تحت انجام
 وظایف خودشان بردارند یکی از سیاستپون و